

همایش ملی مطالعات و پژوهش های علمی علوم انسانی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار با حمایت معنوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه
سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۴۸۵۳-۷۸۸۶۴
سال برگزاری همایش: ۱۳۹۷ شماره مقاله: ۳۰۵/۱۹۹ رده بندی کنگره: ن ۶۰۳/۲

بیمه طلاق در رویه قضایی کنونی

مجید نوری

چکیده

امروزه از جمله مهم ترین دغدغه های زنان و حتی جامعه، در رابطه با وضعیت زنان مطلقه ای است که با وقوع طلاق، عمدتاً از هیچ منبع مالی بهره مند نبوده و با فقر اقتصادی روبه رو می شوند. بیمه به عنوان زاده ی مقتضیات زندگی در مقابل نگرانی ها، در برابر بخشی از خطراتِ ناظر بر نهاد خانواده و اعضای آن نیز، قرار گرفته و موجب تسکین خاطر شده است. یکی از راهکارهای جدید برای حل نگرانی فقر مالی زنان مطلقه با تمسک به بیمه، بکارگیری نهاد نوظهور بیمه ی طلاق است. حیاتی ترین عنصر بیمه، خطر یا حادثه است که طلاق می تواند یکی از آن دو محسوب گردد زیرا متضمن تعریف و ویژگی های آنها است. بیمه ی طلاق در ماهیت حقوقی خود می تواند به دو صورت توجیه گردد: نخست، یکی از اقسام بیمه های مستقل از انواع بیمه های اشخاص باشد. دوم، یک نوع بیمه ی عمر در صورت حیاتِ مشروط به طلاق باشد. از جمله ساز و کارهایی که می تواند از سوی زوج ها، به عنوان متعهدان پرداخت حق بیمه در اجرای بیمه های طلاق صورت گیرد عبارتند از؛ انعقاد قرارداد بیمه به صورت آزاد و اختیاری، درج الزام به انعقاد یا پرداخت حق بیمه در قالب شروط ضمن عقد یا در قالب مهریه و یا اینکه می تواند در نظام حقوقی ایران، جزء نفقه قرار گیرد. حق بیمه در صورت استخدام مردان، می تواند از حقوق آنها کسر گردد.

براساس الزامات دینی، اسنادی (بین‌المللی و داخلی) و عرفی نیز، دولت باید از طریق بیمه‌های اجتماعی یا راهکارهای حمایتی از این نوع بیمه‌ها حمایت نماید که به دو صورت قابل تصوّر است؛ نخست، قرار گرفتن دولت به عنوان بیمه‌گر و دوم، قرار گرفتن دولت به عنوان بیمه‌گزار. طلاق نباید از نوع رجعی باشد مگر اینکه عده سپری شده باشد و همچنین طلاق نباید از سوی زوجه تقاضا شده باشد مگر در زمانی که زندگی غیر قابل تحمّل بوده یا زوج غایب مفقودالاثّر باشد. همچنین زوجه نباید ملی یا شاغل باشد و در صورت ازدواج مجدد نیز، سرمایه‌ی پرداختی از سوی بیمه‌گر قطع خواهد شد.

بخش اول: مفاهیم بیمه، تأمین اجتماعی، طلاق و زنان بی‌سرپرست

اصطلاحات ضروری که در این پژوهش مکرراً تکرار شده و باید معانی لغوی، قانونی و حقوقی صحیح آنها روشن گردد، بیمه، تأمین اجتماعی، طلاق و زنان بی‌سرپرست است. در این بخش، به ترتیب تعاریف بیمه و تأمین اجتماعی در بند اول، طلاق در بند دوم و زنان بی‌سرپرست در بند سوم، مورد مطالعه خواهند بود.

بند اول: مفهوم بیمه و تأمین اجتماعی

اگرچه واژگان بیمه و تأمین اجتماعی به یکدیگر نزدیک بوده و از هر دو به عنوان پشتوانه‌های مالی اطمینان بخش در شرایط خاص خودشان، یاد می‌گردد اما میان این دو نهاد حقوقی تمایز وجود دارد که در دو بند ذیل در قالب تعاریفی که از آنها ارائه شده است این تمایزات قابل کشف است.

الف: مفهوم بیمه

«بیمه» یک واژه‌ی حقوقی - فارسی است و مفهوم آن امری کاملاً ناشناخته و نامأنوس نیست لیکن در معنای آن نمی‌توان به یقین سخن واحدی بر زبان راند. برای آشنایی و درک دقیق‌تر کلمه‌ی «بیمه»، لازم است این واژه در لغت و در کلام مقنن مورد بررسی قرار گیرد. از آنجا که واژه‌ی بیمه، در معنای قانونی به درستی تعریف نگردیده و دارای نقص‌ها و کمبودهایی است؛ با ذکر کاستی‌های تعریف قانونی، تعریف حقوقی صحیح از آن، بیان خواهد شد. واژه‌ی بیمه در زبان انگلیسی «Insurance»، در زبان فرانسه «Assurance» و در زبان عربی «التأمين» نامیده می‌شود.^۱ نسبت به اصالت کلمه‌ی بیمه، میان لغت‌شناسان و حقوق‌دانان اختلاف نظر است؛ آن چنان که به یقین نمی‌توان به معنای حتمی این

۱- جعفر معزی، حقوق بیمه، (تهران، دانش پرور، ۱۳۸۸)، ص ۲۸.

واژه دست یافت. بنا بر اعتقاد عدّه‌ای ریشه‌ی بیمه از واژه‌ی «Bima» «بیمه» که در زبان هندی و احتمالاً در زبان سانسکریت رواج داشته، اخذ شده است.^۱ برخی نیز معتقدند واژه‌های انگلیسی و فرانسوی کلمه‌ی بیمه از ریشه‌ی لاتین «Securus» که به معنای اطمینان است، اخذ شده است.^۲ عدّه‌ای نیز بر این اعتقادند که، «بیمه» کلمه‌ای فارسی است و ریشه‌ی اصلی آن «بیم» است زیرا دلیل اصلی انعقاد قرارداد بیمه، ترس و بیم وقوع حادثه‌ی احتمالی و اجتناب از مبتلا شدن به آن بوده است که بیمه‌گر و بیمه‌گزار^۳ را به سمت انعقاد قرارداد بیمه سوق داده است لذا واژه‌ی «بیمه» دارای هیچ‌گونه ریشه‌ی خارجی نیست، ضمن اینکه این واژه در هیچ‌یک از فرهنگ‌های غیر ایرانی نیز، دیده نمی‌شود.^۴ در ماده‌ی ۱ قانون بیمه‌ی ایران مصوب سال ۱۳۱۶، قرارداد بیمه چنین تعریف شده است: «عقدی است که به موجب آن یک طرف تعهد می‌کند در ازاء پرداخت وجه یا وجوهی از طرف دیگر در صورت وقوع یا بروز حادثه خسارت وارده بر او را جبران نموده و یا وجه معینی بپردازد...». در حقوق کامن‌لو واژه‌ی بیمه (Insurance) چنین تعریف شده است: «قراردادی است که به موجب آن

۱- محمد معین، فرهنگ فارسی (متوسط)، جلد سوم، (تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۰)، ص ۶۳۳.

۲- محمد جهانشاهی، «بیمه از نظر حقوق مدنی»، (فصلنامه کانون وکلا، دوره اول، شماره ۴۲، خرداد و تیر ۱۳۳۴، صص ۹۳-۹۶)، ص ۹۳.

۳- لفظ «گذاشتن» به معنای «نهادن، قراردادن، وضع کردن، برجای نهادن»، «عبور دادن، عبور کردن، سپری کردن، نهادن، وضع کردن، باقی گذاشتن، ترک کردن و...» و «نهادن، وضع» آمده است (علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، جلد دوازدهم، (تهران، ناشر: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷)، ص ۱۸۹۸۴؛ محمد معین، پیشین، ص ۳۲۰۵ و ۳۲۰۶؛ سید مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف (دائرة المعارف جامع اسلامی)، جلد هشتم، (بی‌جا، مؤسسه فرهنگی آرایه، ۱۳۷۹)، ص ۶۴۵). برای لفظ «گزاردن» معانی «ادا کردن، انجام دادن، بجا آوردن» و «انجام دادن، بجا آوردن، پرداختن، تأدیه کردن، بیان کردن، اظهار کردن، صرف کردن، خرج کردن و...» آمده است (علی اکبر دهخدا، پیشین، ص ۱۹۱۳۴؛ محمد معین، پیشین، ص ۳۳۰۱ و ۳۳۰۲؛ سید مصطفی حسینی دشتی، پیشین، ص ۶۶۳). «بیمه‌گزار» شخصی است که عملی را انجام می‌دهد که آن عقد قرارداد بیمه با بیمه‌گر است یا حق بیمه را به بیمه‌گر پرداخت می‌نماید بنابراین باید با حرف «ز» نوشته شود، «بیمه‌گزار» بیمه را در جایی نمی‌گذارد یا مانند قانونگذار قانونی را وضع نمی‌کند لذا نوشتن آن با حرف «ذ» اشتباه است.

۴- آیت کریمی، پیشین، ص ۳۴؛ محمد جهانشاهی، پیشین، ص ۹۳.

یک طرف تعهد می‌کند که ضرر، خسارت یا مسئولیت ناشی از یک اتفاق نامعلوم یا محتمل الوقوع را جبران کند و فقط نسبت به برخی (اتفاقات) فعلی یا احتمالی که در آینده اتفاق می‌افتد، قابل اِعمال است.^۱ ماده‌ی ۷۴۷ قانون مصر نیز، بیمه را چنین تعریف نموده است: «بیمه قراردادی است که به مقتضای آن، بیمه‌گر ملتزم می‌شود مبلغی را یک‌جا یا به صورت پرداخت تدریجی منظم یا هر نوع عوض دیگری در صورت وقوع حادثه یا تحقق خطری که در قرارداد بیان شده، به بیمه‌گزار یا شخص دیگری که بر اساس قرارداد ذینفع است، بپردازد. این التزام در مقابل تعهد مشابهی است که بیمه‌گزار، مالی را به صورت اقساط یا یک‌جا به بیمه‌گر پرداخت می‌نماید.»^۲ جامع‌ترین تعریف حقوقی که می‌توان برای قرارداد بیمه ارائه داد، این است که گفته شود؛ بیمه قراردادی است که به موجب آن بیمه‌گر پوشش بیمه‌ای ایجاد می‌کند تا در مقابل پرداخت وجه یا جوهی از سوی شخص دیگر (اعم از بیمه‌گزار یا شخص ثالث)، در صورت وقوع حادثه یا خطر، بیمه‌گر خسارات شخص یا اشخاص ثالثی که به عنوان ذینفع بیمه شناخته می‌شوند را، به صورت یک‌جا یا به شکل اقساط، جبران نموده یا وجه معینی را با وقوع یک رویداد یا گذشت زمانی خاص، به آنان بپردازد.

ب: مفهوم تأمین اجتماعی

«تأمین اجتماعی»^۳ متشکل از دو واژه‌ی «تأمین» و «اجتماعی» است. واژه‌ی تأمین دارای معنای بسیار نزدیک و شاید کاملاً شبیه با واژه‌ی بیمه باشد و منظور از آن ایجاد امنیت در برابر حوادث و خطرات خاص و معینی است. واژه‌ی اجتماعی نیز، متشکل از روابط مستمر و روزمره‌ی افراد جامعه‌ی انسانی در سطح مکانی و زمانی معین است که

^۱ - Henry Campbell Black, Black's Law Dictionary, (Fourth Edition, 1968, West Publishing Co), p 943.

^۲ - عبدالرزاق سنهوری، الوسيط فی شرح القانون المدني، ج ۲، جزء ۷، (بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۹۶۴ ق)، ص ۱۰۸۵.

^۳ - Social Security

آنها را در کنار یکدیگر به شکل یک اجتماع قرار داده است. در ماده‌ی ۲۵ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸/۱۲/۱۰م مجمع عمومی سازمان ملل متحد، تأمین اجتماعی از حقوق بشر محسوب و مقرر شده است: «هر کس باید از حق داشتن تأمین اجتماعی در صورت بیماری، بیکاری، از کار افتادگی، از دست دادن سرپرست خانوار، پیری و دیگر مواردی که به عللی خارج از اختیار خود، وسایل امرار معاش را از دست داده باشد، برخوردار گردد». اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی، در تعریف تأمین اجتماعی بیان داشته است: «مجموعه کوشش‌ها و فعالیت‌های انجام‌شده توسط برخی از سازمان‌ها و مؤسسات اجتماعی به منظور رسیدن به رفاه اجتماعی».^۱ در اصل ۲۹ ق.ا که مقرر شده است: «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند»، تعریف کاملی از تأمین اجتماعی آمده است.^۲ بدین ترتیب، تأمین اجتماعی (در معنای عام)، به دنبال حمایت از اقشار کم‌درآمدی است که در اخذ حقوق خود از توانایی‌های لازم و کافی برخوردار نیستند، در حقیقت؛ در صورت بروز معضلاتی در وضعیت معیشتی یا کسب درآمد افراد، بنا به عللی مانند بیماری، بی‌سرپرستی، سالمندی و ...، نهادی به نام تأمین اجتماعی وظیفه‌ی حمایت از این افراد را بر عهده دارد.^۳ براساس نظام تأمین اجتماعی، گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه که به دلیل ناتوانی در کسب

۱- علی فیض‌زاده و سعید مدنی قهفرخی، بررسی مفهوم رفاه و تأمین اجتماعی در ایران و جهان، (تهران، موسسه پژوهش تأمین اجتماعی، آذر ۱۳۷۹)، ص ۱۶.

۲- سید عزت‌اله عراقی و همکاران، درآمدی بر حقوق تأمین اجتماعی (نقد قانون تأمین اجتماعی ایران براساس مطالعه تطبیقی)، (تهران، موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۸۶)، ص ۶۲.

۳- علی فیض‌زاده و سعید مدنی قهفرخی، پیشین، ص ۶۴.

درآمد، مشمول نظام بیمه‌ای نیستند تحت حمایت دولت قرار می‌گیرند.^۱ به طور کلی، موضوع اصلی تأمین اجتماعی، مقابله با آثار و نتایج چهار نوع رنج اجتماعی مشترک و تاریخی بشر یعنی؛ بیکاری، بیماری، فقر و بی‌قدرتی است.^۲ بدین ترتیب تأمین اجتماعی، مقوله‌ی پیشگیری برای تمام افراد مشمول را نیز، در بر می‌گیرد. بنابراین هدف اصلی و اساسی تأمین اجتماعی پیشگیری از ورود زیان یا جبران آثار زیانبار خطرات مختلفی است که وضعیت اقتصادی افراد (اعم از کارگر و غیر کارگر) را دگرگون می‌سازد و حمایت‌های خود را از طریق بیمه یا به صورت غیر بیمه‌ای اعمال می‌نماید. در حقیقت؛ تأمین اجتماعی، به منزله‌ی چتر حمایتی از تمام اقشار جامعه عمل می‌کند که بنا به هر دلیلی، در معرض آسیب‌های اقتصادی ایجاد شده قرار گرفته و نیازمند حمایت از سوی دولت هستند. منظور از نظام حقوق تأمین اجتماعی نیز مجموعه‌ی قوانین و مقررات متعددی کشوری است که در رابطه با تأمین اجتماعی وجود دارد.^۳

بند دوم: مفهوم طلاق

واژه‌ی طلاق از نظر لغوی در این معانی: «جدا شدن زن از شوهر، رها شدن از قید نکاح || رهایی از قید زناشویی»^۴، «گشودن گره و رها کردن»^۵ به کار رفته است. طلاق در قانون تعریف نشده است اما به کرات در مواد قانونی از آن یاد شده است. به عنوان مثال در ماده‌ی ۱۱۲۰ ق.م.آ آمده است: «عقد نکاح به فسخ یا به طلاق یا به بذل مدت در عقد انقطاع منحل می‌شود». از ماده‌ی ۱۱۳۳ ق.م. به بعد نیز قانونگذار صرفاً راجع به شرایط و نحوه‌ی

^۱ - ناهید اعتضادپور و فهیمه رجبی‌راد، پیشین، ص ۳۲.

^۲ - محمد جواد زاهدی مازندرانی، «ظهور و افول رفاه»، (فصلنامه تأمین اجتماعی، سال دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۷۹، صص ۱۲۹-۱۶۶)، ص ۱۴۷.

^۳ - مهدی طالب، پیشین، ص ۵۰.

^۴ - حسن عمید، پیشین، ص ۷۴۴.

^۵ - سید حسین صفایی و اسدالله امامی، مختصر حقوق خانواده، (تهران، نشر میزان، آبان ۱۳۸۶)، ص ۲۰۱.

تحقق طلاق سخن گفته است و تعریفی از این واژه ارائه نداده است. طلاق این گونه تعریف شده است: «إزالة قيد النكاح بصيغته «طالق» و شبهها».^۱ «إزالة رابطه زوجیت در عقد دوام، به صیغه خاص با حضور عدلین که موضوعیت دارد».^۲ این تعاریف بیشتر ناظر بر قطع رابطه‌ی زوجیت دائم است لیکن طلاق عبارت است از عمل حقوقی یک طرفه و ایقاعی از سوی زوج، که رابطه‌ی زوجیت را منتفی می‌سازد.

بند سوم: مفهوم زنان بی‌سرپرست

در تعریف زن سرپرست خانوار آمده است: «به فردی اطلاق می‌شود که مسئولیت تأمین معاش مادی و معنوی خود و اعضای خانواده خود را به طور دائم یا موقت عهده‌دار است» و در تعریف زن خودسرپرست بیان شده است: «به فردی اطلاق می‌شود که مسئولیت تأمین هزینه‌های زندگی و امور معنوی خود را به طور مستقل عهده‌دار است» آمده است.^۳ با مبنا قرار دادن تعاریفی که وزارت رفاه و تأمین اجتماعی ارائه داده است می‌توان گفت، تمامی زنان مطلقه تحت سرپرستی خود یا دیگری هستند چون ممکن است بعد از طلاق به تنهایی یا نزد خانواده‌ی پدر خود یا غیر، زندگی نمایند لکن به نظر نمی‌رسد واژه‌ی زنان بی‌سرپرست صحیح باشد چه آنکه شخص زننده یا تحت سرپرستی خودش است یا تحت سرپرستی دیگری اما هیچ‌گاه بی‌سرپرست نیست بنابراین به کار بردن واژه‌ی زنان بی‌سرپرست، اشتباهی است که به کرات توسط قانونگذار در مواد قانونی متعددی که

^۱ - محمد حسن نجفی، جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۳۲، (بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق)، ص ۲.

^۲ - محمد جعفر جعفری لنگرودی، پیشین، ص ۴۷۴؛ سید مصطفی محقق داماد، تحلیل فقهی حقوق خانواده - نکاح و انحلال آن، (تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، پائیز ۱۳۸۶)، ص ۳۸۰.

^۳ - وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، «طرح جامع توانمندسازی زنان خود سرپرست و سرپرست خانوار»، (هفته‌نامه برنامه، شماره ۱۹۷، دی ۱۳۸۵، صص ۲۵ - ۲۸)، ص ۲۵.

در مباحث آتی بیان خواهد شد، به کار رفته و تکرار شده است. زنان مطلقه نیز، ممکن است جزء زنان خود سرپرست یا سرپرست خانوار قرار گیرند یا ممکن است جزء آنها قرار نگیرند که برخی به اشتباه اصطلاح «زنان سرپرست خانوار» یا «زنان خود سرپرست» را متضمن زنان مطلقه نیز دانسته‌اند.^۱ لذا می‌توان گفت، زنان مطلقه یا تحت سرپرستی خود هستند که تحت عنوان زنان خود سرپرست یا زنان سرپرست خانوار شناخته می‌شوند یا تحت سرپرستی غیر هستند لذا هرگاه قانونگذار واژه‌ی زنان بی‌سرپرست را به کار برده باشد به نظر می‌رسد با توجه به گفته‌های پیشین، زنان مطلقه را نیز شامل می‌گردد.

بخش دوم: طرف‌ها و عناصر قرارداد بیمه

در انعقاد و در بهره‌مندی از آثار هر قرارداد بیمه‌ای، اشخاصی دخالت دارند که طرف‌های قرارداد بیمه را تشکیل می‌دهند که لازم است مورد بررسی قرار گیرند. علاوه بر طرف‌های قرارداد بیمه، عناصری نیز در کنار هم قرار گرفته و با اتصال به یکدیگر، یک قرارداد بیمه را تشکیل می‌دهند که ضروری است این عناصر نیز مورد بررسی واقع گردند. بدین لحاظ، در بند اول، طرف‌های قرارداد بیمه و در بند دوم عناصر قرارداد بیمه، مورد مطالعه خواهد بود.

بند اول: طرف‌های قرارداد بیمه

به طور کلی کلیه‌ی اشخاصی که در انعقاد یا برخورداری از مزایای قرارداد بیمه نقش داشته باشند از طرف‌های قرارداد شناخته می‌شوند. در این بند بیمه‌گر، بیمه‌گزار، بیمه‌شده و ذینفع بیمه به عنوان اشخاص دخیل در قرارداد بیمه مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

الف: بیمه‌گر و بیمه‌گزار

^۱ - زهره خسروی، «بررسی آسیب‌های روانی - اجتماعی زنان سرپرست خانواده»، (فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س)، سال یازدهم، شماره ۳۹، پاییز ۱۳۸۰، صص ۷۱-۹۳)، ص ۷۵.

طرفین اصلی قرارداد بیمه که به عنوان متولیان قرارداد، موجب انعقاد آن می‌شوند با نام‌های «بیمه‌گر و بیمه‌گزار» شناخته می‌شوند. بیمه‌گر باید شخص حقوقی سهامی عام باشد ولی بیمه‌گزار می‌تواند از اشخاص حقوقی یا حقیقی باشد که به ترتیب بررسی خواهد شد.

۱- بیمه‌گر

شخصیت حقوقی که پوشش چتر بیمه‌ای را بر سر ذینفع قرارداد بیمه گسترش می‌دهد تا جبران خسارت یا پرداخت وجه معینی را در صورت وقوع حادثه یا گذشت مدت زمانی معین، در برابر دریافت حق بیمه از بیمه‌گزاران انجام دهد، «بیمه‌گر یا بیمه‌کننده»^۱ نامیده می‌شود. هر مؤسسه‌ی بیمه‌گر، ملزم است مطابق قانون (اعم از قانون بیمه، مدنی، تجارت و ...) دارای شرایطی باشد که بتواند به فعالیت بپردازد. همچنین شرکت‌های بیمه، براساس ماده‌ی ۳۱ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری مصوب ۱۳۵۰/۳/۲۹ که مقرر داشته است: «عملیات بیمه در ایرن به وسیله شرکت‌های سهامی عام ایرانی که کلیه سهام آنها با نام بوده و با رعایت این قانون و طبق قانون تجارت به ثبت رسیده باشند انجام خواهد گرفت باید به صورت سهامی تشکیل و اداره گردند» الزاماً باید دارای شخصیت حقوقی بوده و در قالب شرکت‌های سهامی عام اداره شوند.

۲- بیمه‌گزار

بیمه‌گزار^۲، شخص دومی است که وجود او برای انعقاد قرارداد بیمه ضروری است. بیمه‌گزار شخصی (اعم از حقیقی یا حقوقی) است که قرارداد بیمه را با بیمه‌گر منعقد ساخته و عمدتاً پرداخت حق بیمه را خود تعهد نموده و بر عهده می‌گیرد (البته شخص ثالث نیز می‌تواند این تعهد را بر عهده گیرد) و بدین وسیله جان، مال یا مسئولیت خود یا دیگری را برای مدت معینی تحت پوشش بیمه قرار می‌دهد. عنصر اساسی شناخت

^۱ - Insurer or Undrewriter

^۲ - Policyholder

بیمه‌گذار از سایر اشخاص مرتبط با قرارداد بیمه در این است که، بیمه‌گذار منعقدکننده و امضاءکننده‌ی اصلی قرارداد بیمه به عنوان شخص دوم از طرفین قرارداد است لذا چون سایر اشخاص چنین کاری را انجام نمی‌دهند به عنوان بیمه‌گذار شناخته نمی‌شوند. شخص بیمه‌گذار می‌تواند خود، شخص بیمه‌شده نیز باشد مانند بیمه‌ی عمر زمانی^۱ یا ثالثی می‌تواند به عنوان شخص بیمه‌شده در قرارداد بیمه تعیین گردد مانند بیمه‌ای که کارفرمایان برای کارگران خود منعقد می‌سازند.^۲ بیمه‌گذار برخلاف بیمه‌گر که باید الزاماً دارای شخصیت حقوقی باشد، می‌تواند شخص حقیقی یا حقوقی باشد. همچنین لازم است بیمه‌گذار در قرارداد بیمه دارای نفع بیمه‌ای باشد. اطمینان بیمه‌گر در وجود نفع مشروع در انعقاد قرارداد بیمه برای بیمه‌گذار باید اصل موضوعی تلقی شود^۳ تا از یک طرف انعقاد قرارداد بیمه معتبر شود و از طرف دیگر از قمار و شانس متمایز گردد لذا در ماده‌ی ۴ ق.ب مقرر شده است: «... مشروط بر این که بیمه‌گذار نسبت به بقای آنچه بیمه می‌دهد ذینفع باشد...». منظور از نفع بیمه‌ای برای بیمه‌گذار، وجود هرگونه نفع مادی یا معنوی است.^۴ اراده‌ی بیمه‌گذار نباید بتواند باعث تحقق حادثه یا خطری باشد که در قرارداد بیمه ذکر شده است، زیرا اولاً، یکی از ویژگی‌های حادثه یا خطر قابل پوشش برای بیمه‌گر، این است که آن

^۱ - «در این نوع بیمه خطر فوت شخص بیمه‌شده مورد تأمین بیمه‌گر قرار می‌گیرد یعنی در صورت فوت شخص بیمه‌شده در مدت اعتبار قرارداد بیمه، سرمایه بیمه مندرج در بیمه‌نامه به شخص یا اشخاص ذینفع یا استفاده‌کنندگان تعیین‌شده از طرف بیمه‌شده پرداخت می‌شود» (جانعلی محمود صالحی، فرهنگ بیمه و بازگانی، (بی‌جا، انتشارات شرکت سهامی بیمه ایران، ۱۳۷۲)، ص ۸۱).

^۲ - همان، ص ۸۰ - ۸۱.

^۳ - محمد آل شیخ، «اصول اساسی حاکم بر عقد بیمه از منظر حقوقی (۱)»، (ماهنامه کانون، سال چهارم و هفتم، دوره دوم، شماره ۴۹، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۳، صص ۶۱ - ۷۶)، صص ۶۹ و ۷۰.

^۴ - ایرج بابایی، حقوق بیمه، (تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۳)، صص ۵۰ و

حادثه یا خطر برای بیمه‌گذار غیر قابل دفع باشد، در حالی که وقتی آن حادثه یا خطر را، بیمه‌گذار محقق ساخته است، نه تنها آن را دفع نساخته بلکه خود نیز، آن را ایجاد نموده است. از ویژگی‌های دیگر حادثه یا خطر قابل پوشش، اتفاقی بودن و عدم تأثیر مستقیم اراده‌ی بیمه‌گذار در بروز آن است^۱ چه آنکه در غیر این صورت، خصوصیت اتفاقی بودن خطر زایل خواهد شد. ثانیاً عدم مؤثر بودن اراده‌ی بیمه‌گذار در وقوع حادثه یا خطر، یکی از اصول عقلانی بیمه است که باید رعایت گردد. لذا در ماده‌ی ۱۴ ق.ب مقرر شده است: «بیمه‌گر مسئول خسارات ناشیه از تقصیر بیمه‌گذار یا نمایندگان او نخواهد بود». با توجه به مطالب فوق، می‌توان در قرارداد بیمه‌ی طلاق، چنین نتیجه گرفت که؛ شخص بیمه‌گذار می‌تواند زوجه یا هر شخص ثالثی غیر از زوج باشد زیرا اولاً زوجه یا شخص ثالثی مانند دولت، با بهره‌مندی زنان مطلقه از قرارداد بیمه‌ی طلاق، از آن منتفع می‌گردند و این همان نفع بیمه‌ای است، اما زوج از بیمه بهره‌ای نمی‌برد پس نمی‌تواند به عنوان بیمه‌گذار در قرارداد بیمه قرار گیرد مگر اینکه زوجه در زمان عقد، شرط بیمه‌ی طلاق را در عقدنامه درج کند که در این صورت، زوج با انعقاد قرارداد بیمه‌ی طلاق، تعهد قراردادی خود را اجرا می‌کند بنابراین در این صورت ذینفع است. ثانیاً طلاق به اراده‌ی مرد^۲ رخ می‌دهد لذا

۱- همایون مشایخی، پیشین، ص ۱۹۲-۱۹۴.

۲- «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ» (سوره طلاق (۶۵)، آیه ۱) «ای پیامبر! هر زمان خواستید زنان را طلاق دهید، در زمان عدّه، (که از عادت ماهانه پاک شدند)، آنها را طلاق گوید» (القرآن الکریم، ترجمه: آیه‌الله مکارم شیرازی، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۸۶/۶/۱۸)، ص ۵۵۸؛ عبدالعزیز ابن براج طرابلسی، المذهب، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۶ ق، ص ۲۷۵). پیامبر (ع) نیز در این زمینه فرموده‌اند: «الطَّلَاقُ بِيَدِ مَنْ أَخَذَ بِالسَّاقِ» (ابن ادریس محمد بن منصور بن احمد حلّی، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۲، قم، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ ق)، صص ۶۰۰ و ۶۷۳.

حادثه یا خطر (طلاق) به اختیار و اراده‌ی اوست که واقع می‌شود پس نمی‌تواند به عنوان شخص بیمه‌گزار در قرارداد بیمه حضور یابد، به عبارت دیگر؛ اگرچه زوج مطابق با قانون می‌تواند زوجه‌ی خود را طلاق دهد اما این امر نمی‌تواند مورد استناد او قرار گرفته و خود را به عنوان بیمه‌گزار در قرارداد بیمه دخالت داده و خطر مندرج در قرارداد بیمه (خطر: وقوع طلاق) را محقق سازد. بنابراین شخص بیمه‌گزار باید خودِ زوج یا شخص ثالثی غیر از زوج باشد چون هیچ‌یک از آنان در وقوع خطر طلاق اراده‌ای ندارند به این دلیل که طلاق فقط به اراده‌ی زوج صورت می‌گیرد لیکن شوهرِ زوج می‌تواند در ضمن قرارداد بیمه یا عقد لازم دیگری، تعهد پرداخت حق بیمه را عهده‌دار گردد. نکته‌ی حائز اهمیت این است که میان واژه‌ی بیمه‌گزار، بیمه‌شده و ذینفع بیمه تفاوت وجود دارد و باید از یکدیگر تفکیک گردند. اشخاص بیمه‌شده و ذینفع بیمه، غالباً اشخاص واحد هستند اما نیز بعضاً ممکن است با یکدیگر متفاوت بوده و دو شخص مستقل باشند. منظور از بیمه‌شده^۱، شخصی است که حیات یا سلامت او تحت پوشش بیمه قرار می‌گیرد.^۲ در عمده‌ی قراردادهای بیمه، بیمه‌شده همان بیمه‌گزار است اما در برخی از آنها، بیمه‌شده می‌تواند شخصی غیر از بیمه‌گزار باشد مانند بیمه‌ی عمر در صورت حیات در صورتی که شخصی غیر از بیمه‌گزار به عنوان شخص بیمه‌شده انتخاب شود. در ماده‌ی ۲ قانون تأمین اجتماعی در تعریف بیمه‌شده مقرر شده است: «بیمه‌شده شخصی است که رأساً مشمول مقررات تأمین اجتماعی بوده و با پرداخت مبالغی به عنوان حق بیمه حق استفاده از مزایای مقرر در این قانون را دارد». تعریف مزبور نمی‌تواند تعریف دقیقی در شناسایی بیمه‌شده باشد زیرا الزاماً نیازی

^۱ - Insured

^۲ - جانعلی محمود صالحی، پیشین، ص ۷۸.

نیست که بیمه‌شده، مبالغ بیمه را به سازمان تأمین اجتماعی بپردازد تا بتواند مشمول مزایای قانونی آن قرار گیرد بلکه پرداخت می‌تواند از سوی بیمه‌گزار یا شخص ثالث دیگری صورت گیرد مانند پدر یک خانواده که به عنوان بیمه‌گزار حق بیمه را پرداخته و اعضای خانواده خود را به عنوان بیمه‌شدگان، حمایت می‌نماید. بنابراین شخصی که احتمال تحقق حادثه یا خطر برای او، موجب انعقاد قرارداد بیمه گردیده و مشخصات نامبرده به عنوان بیمه‌شده در بیمه‌نامه ذکر شده است، شخص بیمه‌شده نامیده می‌شود. در بیمه‌ی طلاق زوجه، بیمه‌شده تلقی می‌شود زیرا بیمه‌ی طلاق برای حمایت از زندگی و حیات اوست که انعقاد یافته است و در صورت وقوع طلاق، اوست که از بیمه بهره‌مند می‌گردد نه زوج. بدین ترتیب در بیمه‌ی طلاق، بیمه‌گزار و بیمه‌شده شخص واحدی است که زوجه از آن بهره‌مند است. ذینفع یا استفاده‌کننده^۱ از بیمه، شخص یا اشخاصی هستند که بیمه‌گر متعهد است، وجه بیمه را در صورت تحقق خطر موضوع بیمه، به او یا به آنان بپردازد. ذینفع بیمه، می‌تواند خود بیمه‌شده یا شخص ثالثی باشد که طرف قرارداد یا متعهد قرارداد نیست، به عبارت دیگر، شخص بیمه‌شده همیشه با ذینفع بیمه یکسان نیست و بعضاً بیمه‌گزار با وجود اینکه خود، شخص بیمه‌شده است می‌تواند ذینفع بیمه قرار نگیرد بلکه ذینفع یا ذینفعان بیمه را افراد دیگری که از قرارداد بیمه سودمند و منتفع می‌گردند، تشکیل دهند مانند بیمه‌ی اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسیله‌ی نقلیه‌ی موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث، که بیمه‌گزار با بیمه نمودن مسئولیت مدنی‌اش، خود به عنوان بیمه‌شده و شخص زیان‌دیده به عنوان ذینفع بیمه، شناخته می‌شود زیرا برای جبران خسارت خود می‌توند به شرکت بیمه

^۱ - Beneficiary

مراجعه کند.^۱ در جمع اشخاص بیمه‌گزار، بیمه‌شده و ذینفع بیمه، به‌طور کلی پنج حالت قابل تصوّر است: نخست اینکه؛ بیمه‌گزار، شخص بیمه‌شده و ذینفع بیمه یک شخص می‌باشد مانند بیمه‌ی عمر به شرط حیات، که سه عنوان در یک نفر قابل جمع است. دوم اینکه؛ بیمه‌گزار، خود را به نفع دیگری بیمه نماید یعنی شخص بیمه‌گزار خود بیمه‌شده است اما ذینفع را شخص یا اشخاص دیگری تشکیل می‌دهند مانند بیمه‌ی عمر تأمین خطر فوت (بیمه‌ی عمر به شرط فوت) که سرمایه یا مستمری بعد از فوت وی به اشخاص ثالث به عنوان ذینفعان بیمه (استفاده‌کنندگان بیمه) پرداخت خواهد شد. سوم اینکه؛ بیمه‌گزار، شخص دیگری را به نفع خود بیمه کند به این معنا که؛ بیمه‌گزار، شخص ثالثی را به عنوان بیمه‌شده در قرارداد تعیین و خود را به عنوان ذینفع بیمه قرارداد دهد مانند بیمه‌ی عمر تأمین خطر فوت شخص ثالث که به طور مثال زوجه‌ای همسر خود را به عنوان بیمه‌شده، بیمه می‌نماید تا در صورت فوت، مبلغ خاصی از جانب بیمه‌گر به او (زوجه) پرداخت گردد. چهارم اینکه؛ بیمه‌گزار، شخص ثالثی را هم بیمه‌شده و هم به عنوان ذینفع بیمه قرار می‌دهد مانند بیمه‌ی عمر به شرط حیات شخص ثالث، و پنجم اینکه؛ بیمه‌گزار، شخص ثالثی را بیمه‌شده و شخص ثالث دیگری را ذینفع بیمه قرار می‌دهد مثلاً اگر بیمه‌گزار وسیله‌ی نقلیه‌ی متعلّق به ثالثی را بیمه نماید در این صورت بیمه‌شده شخص ثالث و ذینفع بیمه اشخاص ثالث زیان‌دیده از حادثه خواهند بود.^۲ در قرارداد بیمه‌ی طلاق، در یک حالت، زوجه به عنوان بیمه‌گزار، خود هم شخص بیمه‌شده می‌باشد و هم ذینفع بیمه؛ زیرا با انعقاد

^۱ - جعفر معزی، پیشین، ص ۳۳؛ محمد آل شیخ، «ماهیت حقوقی و خصوصیات عقد بیمه در بیمه‌های عمر و مسئولیت

مدنی»، (فصلنامه صنعت بیمه، سال هفدهم، شماره ۶۶، تابستان ۱۳۸۱، صص ۱۰۵ - ۱۳۸)، ص ۱۲۳.

^۲ - امیر صادقی نشاط، «غرر و شرط به نفع ثالث در بیمه عمر (حقوق مدنی - حقوق بیمه)»، (فصلنامه پژوهشنامه بیمه،

شماره ۳۲، زمستان ۱۳۷۲، صص ۳۵ - ۴۱) ص ۳۵ و ۳۶.

قرارداد بیمه، خود را در برابر خطر طلاق، بیمه ساخته (بیمه‌شده) و در صورت وقوع آن، اوست که از سرمایه یا مستمری پرداخت شده از سوی بیمه‌گر منتفع می‌گردد (ذینفع)، بنابراین از میان حالات پنج‌گانه‌ی فوق، صورت اول محقق شده است. در حالتی دیگر که دولت نقش بیمه‌گزار را برعهده دارد، بیمه‌شده و ذینفع بیمه، زوجه می‌باشد زیرا زوجه در برابر وقوع طلاق تحت حمایت بیمه‌گر قرار گرفته (بیمه‌شده) و از حمایت‌های مالی او بهره‌مند می‌گردد (ذینفع)، لذا از میان صور پنجگانه‌ی فوق، صورت چهارم تحقق یافته است. علاوه بر این، اگر زوجه فوت کند و کودکانی داشته باشد، آنان نیز می‌توانند به عنوان ذینفع از قرارداد بیمه استفاده کنند به شرط آنکه در عقد به آن تصریح شده باشد.

بند دوم: عناصر قرارداد بیمه

غالب قراردادهای بیمه‌ای برای تحقق، مستلزم وجود عناصر هستند که بدون آنها تشکیل و ایجاد نمی‌گردند. این عناصر که عبارت از حادثه، خطر، موضوع، مورد، حق و سرمایه بیمه هستند، در این قسمت به اجمال مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

الف: حادثه، خطر و ویژگی‌های آنها

در غالب قراردادهای بیمه‌ای، تحقق تعهدات بیمه‌گر منوط به وقوع حادثه یا خطر است. حادثه یا خطر اگرچه معمولاً در یکدیگر ادغام یافته و به سرعت در جوار هم تحقق می‌یابند اما این بدان معنا نیست که این دو، منفک و متمایز از یکدیگر نبوده و دارای هیچ تفاوتی نیستند. خوشبختانه قانونگذار متوجه این نکته بوده و در بند ۴ ماده‌ی ۳ ق.ب میان این دو امر تفاوت قائل شده است و مقرر داشته است: «در بیمه‌نامه باید امور ذیل به طور صریح قید شود: ... ۴. حادثه یا خطری که عقد بیمه به مناسبت آن به عمل آمده است. ...». لازم بود مقنن در چند ماده‌ی قانونی، به تعریف و تمییز آنها پردازد و آنها را بدون تعریف باقی نگذارد اما این

مهم صورت نگرفته است، لذا لازم است با مذاقه در این دو واژه، معانی آنها به خوبی روشن گردد، بدین دلیل ابتدا معنای حادثه و سپس معنای خطر در دو قسمت زیر بررسی خواهد شد.

۱- حادثه

در عمده‌ی عقود بیمه‌ای، اجرایی شدن تعهدات بیمه‌گر وابسته به وقوع خطری است که همراه و در کنار حادثه^۱ قرار گرفته است به طوری که، غالباً به علت عجزین شدن، به راحتی قابل تفکیک نبوده و با وقوع هریک، دیگری نیز محقق می‌گردد مانند بیمه‌ی آتش‌سوزی که در آن خطر، بیم و خوف قرار گرفتن در موقعیت وقوع آتش‌سوزی و حادثه، همان آتش‌سوزی است که روی داده است.

حادثه در لغت به معنای «نو رسیده، آنچه تازه پدید آمده، تازه، نو، پیش‌آمد تازه، واقعه، رویداد، آسیب و بلا» آمده است.^۲ هر حادثه در دل خود دارای سه خصیصه است که با وجود آنها ظهور یافته و محقق می‌گردد، که عبارتند از؛ خارجی بودن، غیر قابل دفع بودن و غیر قابل پیش‌بینی بودن.^۳ خارجی بودن به این معناست که آن حادثه را نمی‌توان به او مرتبط نمود به طوری که اراده یا تقصیر او موجب وقوع حادثه نشده باشد.^۴ غیر قابل دفع بودن یعنی این که او به عادتاً نمی‌توانسته است آن را دفع کند.^۵ غیر قابل پیش‌بینی بودن نیز به این معناست که آن حادثه قابل پیش‌بینی نباشد زیرا اگر قابل حدس باشد شخص از آن اجتناب نموده و با تدبیر خود از وقوع آن جلوگیری می‌نماید. از نظر عده‌ای عنصر

^۱ - Accident

^۲ - حسن عمید، پیشین، ص ۴۴۶.

^۳ - ناصر کاتوزیان، دوره مفدماتی حقوق مدنی: اعمال حقوقی - قرارداد - ایقاع، (تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۶)، ص ۲۹۳؛ محمد جعفر جعفری لنگرودی، پیشین، ص ۲۷۴.

^۴ - ناصر کاتوزیان، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، (تهران، نشر میزان، تابستان ۱۳۸۷)، صص ۲۱۵ و ۲۱۶، توضیحات ذیل ماده‌ی ۲۲۷ ق.م.

^۵ - همان، صص ۲۱۷ و ۲۱۸.

ناگهانی بودن نیز جزئی از یک حادثه است. از نظر این عدّه، حادثه یعنی «واقعه یا پیش‌آمد ناگهانی و به نسبت شدیدی که در اثر عوامل خارجی بدون دخالت میل و اراده بیمه‌گذار یا بیمه‌شده رخ دهد...»^۱، «ناگهانی به مفهوم کوتاه‌مدت است که در زمانی محدود به گونه‌ای مشخص و متمایز ظاهر می‌شود».^۲ اگرچه فرد به علت بیماری مدت‌ها در بستر بیماری قرار داشته باشد اما با وقوع و بروز یک عامل (حادثه) مانند تصادف، سکت، مسمومیت، نیش حشرات و...، به طور ناگهانی یا به مرور زمان فوت می‌کند زیرا حادثه در یک لحظه و به طور ناگهانی رخ داده است.^۳ ماده‌ی ۲ ق.ت.ا نیز در تعریف حادثه مقرر داشته است: «حادثه از لحاظ این قانون اتفاقی است پیش‌بینی نشده که تحت تأثیر عامل یا عوامل خارجی در اثر عمل یا اتفاق ناگهانی رخ می‌دهد ...». بدین ترتیب به نظر می‌رسد، عنصر ناگهانی بودن نیز، رکن چهارمی است که در کنار سه عنصر دیگر، باعث تحقق حادثه می‌گردد. بنابراین، آنچه که باعث تحقق خطر شده است و به عبارت دیگر آنچه که پیش از وقوع خطر رخ داده و زمینه‌ی بروز آن را ایجاد ساخته است، حادثه نامیده می‌شود مانند تصادف یا حمله‌ی قلبی (حادثه) که باعث تحقق فوت (خطر) می‌گردد.^۴ بدین لحاظ، حادثه یعنی آنچه که باعث تحقق یافتن یک خطر است که به طور کلی دارای چهار خصیصه‌ی خارجی، غیرقابل دفع، غیر قابل پیش‌بینی و ناگهانی بودن است. به نظر می‌رسد با توجه به این تعریف، طلاق را نیز می‌توان یک حادثه تلقی نمود، زیرا اولاً وقوع طلاق کاملاً خارج از اراده‌ی زوج است چه آنکه طلاق به عنوان عمل حقوقی، یک ایقاع بوده و تحقق آن وابستگی کامل به اراده‌ی زوج

۱- جانعلی محمود صالحی، پیشین، ص ۱۳۷.

۲- آیت کریمی، پیشین، ص ۴۰۵.

۳- همان.

۴- جانعلی محمود صالحی، پیشین، ص ۱۳۷.

دارد^۱، حتی در زمانی که طلاق خلع یا مبارات است نیز طلاق، غم‌حقوقی (ایقاع) است که از سوی زوج رخ می‌دهد و توافق طرفین که از انگیزه‌ها یا از شرایط طلاق می‌تواند باشد، امری غیر از طلاق است.^۲ پس عنصر خارجی بودن را به عنوان یک حادّثه داراست. ثانیاً به علت بی‌تأثیر بودن اراده‌ی زوج در جلوگیری از طلاق، این واقعه از سوی او کاملاً غیر قابل دفع است زیرا تحقق طلاق وابسته به اراده‌ی زوج است و اگرچه ممکن است تقاضا از سوی زوج باشد لیکن در نهایت وقوع طلاق منوط به اراده زوج است که رخ می‌دهد. البته در حالتی که زوج از دادگاه تقاضای طلاق نموده باشد مانند تقاضا برای طلاق خلع، در این صورت با عدول از درخواست خود، می‌تواند از وقوع طلاق جلوگیری کند لذا در صورت تقاضای طلاق از سوی زوج، نمی‌تواند از بیمه‌گر انتظار ایفاء تعهد داشته باشد زیرا خود باعث وقوع خطر شده است. البته غیر قابل تحمّل بودن زندگی، براساس تشخیص دادگاه، می‌تواند استثنایی بر غیر قابل دفع بودن طلاق ولو به درخواست آن از سوی زوج باشد. ثالثاً پیش‌بینی حادّثه زمانی کارساز و مؤثر خواهد بود که فرد بتواند از آن جلوگیری نماید اما در اینجا به علت منوط بودن کامل طلاق به اراده‌ی زوج (به استثناء تقاضای طلاقی که از سوی زن صورت می‌گیرد)، حتّی حدس وقوع این اتفاق در آینده کمکی به زن نخواهد نمود. رابعاً طلاق نیز مانند سایر حوادث در یک لحظه اتفاق می‌افتد زیرا در یک لحظه و در یک آن (با قرائت صیغه‌ی خاص از سوی زوج)، زوج با اراده نمودن طلاق و با مهیا بودن سایر شرایط مانند جاری شدن صیغه‌ی خاص آن، حضور

۱- پیامبر (۶) نیز در این زمینه فرموده‌اند: «الطَّلَاق بَيِّنَةٌ مِّنْ أَخَذَ بِالسَّاقِ» (ابن ادریس محمد بن منصور بن احمد حلّی، پیشین، صص ۶۰۰ و ۶۷۳).

۲- برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه رجوع کنید به: سید حسین صفایی و اسدالله امامی، پیشین، ص ۲۰۲.

حداقل دو شاهد مرد عادل، در طهر بودن زوجه^۱ و ... طلاق را محقق می‌سازد اگرچه زوجین به ویژه در ازمنه‌ی جدید، مدت‌های مدید در دادگاه، منتظر اخذ حکم برای قانونی نمودن این جدایی از طریق دفترخانه باشند، زیرا این حکم فقط برای رسمی نمودن طلاق از طریق دفترخانه می‌باشد و تأثیری در تحقق یا عدم تحقق اراده‌ی زوج برای طلاق دادن زوجه‌ی خود ندارد.^۲

۲- خطر

خطر یا ریسک^۳، علت عرفی انعقاد عقد بیمه است و بدون تحقق آن، بیمه مفهوم وجودی خود را به کلی از دست می‌دهد. در جامعه‌ای که در آن ریسک جریان ندارد بیمه نیز وجود نخواهد داشت. ریسک امری نامطلوب، ناخوشایند، منفی و غیرقابل پیش‌بینی است که بیمه‌گزار باید خصوصیات خطر را به‌طور کامل و از روی صداقت برای بیمه‌گر بیان نماید. در معانی ریسک یا خطر تعاریفی ارائه شده است بدین شرح که؛ ریسک «احتمال وقوع پیوستن واقعه‌ای است که موجب زیان می‌شود»^۴ یا «احتمال محتمل شدن زیان»^۵، به این معنا که؛ ریسک احتمال وقوع یک حادثه یا رویدادی خاص در آینده است که منشأ ایراد خسارت خواهد بود.^۶ هم‌چنین ریسک به معنای «نتیجه نامطلوب و ناخوشایند

^۱ - برای توضیح بیشتر در این زمینه رجوع کنید به: شمس‌الدین محمد بن مکی عاملی (شهید اول)، اللعه الدمشقیه، ترجمه: حمید مسجدسرای، (تهران، خط سوّم، ۱۳۸۵)، صص ۱۰۶-۱۰۸؛ مواد ۱۱۳۳-۱۱۴۲ ق.م.

^۲ - سید حسین صفایی و اسدالله امامی، پیشین، ص ۲۰۱.

^۳ - Risk

^۴ - همایون مشایخی، پیشین، ص ۸۱.

^۵ - امیر رضا محمودی و محمد محمدزاده اصل، حقوق قراردادهای صنعتی و بیمه‌ای، (تبریز، انتشارات مهر ایران، ۱۳۹۰)، ص ۲۳۴.

^۶ - مصطفی احمد زرقاء، نظام التأمين حقیقه و الرأی الشرعی فیہ، (بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۴ ق)، ص ۱۰۳؛ حمید برنا، تعمیم بیمه‌های اجتماعی، پیشین، ص ۱۹؛ مرتضی روزبه، «رابطه بیمه و مسئولیت مدنی در بیمه‌های اجباری»، (پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق خصوصی، دانشگاه مفید، بهمن ۱۳۸۴)، ص ۱۵.

و زیان آور حادثه^۱ آمده است^۱ که جنبه‌ی ناخوشایندی در آن قوی است.^۲ به نظر می‌رسد با حصول قدر متیقنی از تعاریف فوق، خوف و بیم قرار گرفتن در دام بروز اتفاقاتی که به عنوان حوادث مدّ نظر طرفین قرارداد، باعث ایجاد یک وضعیت ناخوشایند و نامطلوب می‌گردد، را بتوان «خطر» نامید. بدین ترتیب، وضعیت پس از طلاق برای زوجه، می‌تواند خطر محسوب گردد زیرا طلاق به عنوان یک حادثه، ممکن است باعث شکل‌گیری یک وضعیت ناخوشایندی گردد که بلافاصله پس از آن حاصل می‌گردد. غالباً ایفاء تعهدات بیمه‌گر، منوط به وقوع خطر و ورود خسارت به شخص بیمه‌شده است در حالی که در برخی از قراردادهای بیمه، همیشه تحقق خسارت برای ایفاء تعهد بیمه‌گر ملاک عمل نیست بلکه ممکن است منوط به گذشت مدت زمانی خاص مطابق با توافق پیشین باشد مانند بیمه‌ی عمر در صورت حیات، یا ممکن است منوط به بروز یک اتفاق خاص باشد بی‌آنکه خسارتی به بیمه‌شده وارد شده باشد مانند بیمه‌ی مستمری بازماندگان.^۳ بیمه‌ی طلاق نیز، برای جلوگیری از خساراتی است که ممکن است پس از طلاق به ذینفع بیمه (زوجه) وارد شود.

۳- ویژگی‌های حادثه یا خطر قابل پوشش

هر حادثه یا خطری که تحت پوشش بیمه قرار می‌گیرد دارای ویژگی‌هایی است که بدون وجود تمامی آنها، خطر یا حادثه‌ی مدّ نظر، قابل بیمه‌شدن نیست، این ویژگی‌ها عبارتند از؛ مشروعیت و قانونی بودن، تشابه، کثرت و پایداری، پراکندگی، محتمل بودن،

^۱ - آیت کریمی، بیمه اموال و مسئولیت، (تهران، نشر میزان، بهار ۱۳۸۸)، ص ۲۷.

^۲ - حیدرقلی عمرانی، مقدمه‌ای بر: بیمه‌های اجتماعی از دید توسعه اقتصادی - اجتماعی، (بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا)، ص ۱۴.

^۳ - برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه رجوع کنید به مواد ۸۰، ۸۱، ۸۲ و ۸۳ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴/۴/۳.

آتی بودن، غیر ارادی بودن، فقدان عیب ذاتی و قابلیت محاسبه‌ی مالی^۱، که به طور مختصر به آنها اشاره می‌شود:

مشروعیت و قانونی بودن: به این معناست که منافع یا نتایج و آثار اقدامات مشروع و قانونی، قابل بیمه شدن هستند لذا نتایج زیان‌بارِ خطراتی مانند حمله به بانک یا قمار بازی قابل بیمه شدن نیست.^۲ طلاق نیز عمل حقوقی است که شرعاً و قانوناً قابل تحقق بوده و ضعف اقتصادی زن مطلقه و حمایت مالی از وی نیز، مشروع و قانونی خواهد بود. تشابه: یعنی خطرات یا حوادث باید به طور نسبی همسان باشند تا امکان دسته‌بندی و برآورد احتمالی را داشته باشند مانند فوت، مسئولیت مدنی ناشی از حوادث و ... رخدادهای طلاق نیز حتی با وجود اقسام متعددی که دارد، به راحتی قابل دسته‌بندی هستند مانند طلاق خلع، طلاق مبارات و یا طلاق به درخواست مرد، طلاق به درخواست زوجه از دادگاه و ...

کثرت و پایداری: به این معناست که خطر یا حادثه‌ی تحت پوشش باید دارای فراوانی و کثرت باشد زیرا خطرات نادر، مطابق با انتظار نبوده و امکان ارزیابی آنها وجود ندارد (قانون اعداد بزرگ). این ویژگی نیز با توجه به فراوانی وقوع طلاق در ایران که هم‌چنان ادامه داشته و رکودی در آن به چشم نمی‌خورد، نسبت به واقعه‌ی طلاق موجود بوده و آمارهای مذکور مثبت وقوع رو به رشد این پدیده در جامعه است.

پراکندگی: یعنی این که بیمه‌گر خطراتی را بر عهده می‌گیرد که در یک زمان یا در یک مکان، احتمال وقوع خطر، محدود به یک یا چند مورد خاص نباشد به نحوی که با

^۱ - سیاوش مریدی، پیشین، صص ۱۴۹ و ۱۵۰.

^۲ - روزه - بو، حقوق بیمه، ترجمه: محمد حبیبی، (تهران، بیمه مرکزی ایران، ۱۳۷۸)، صص ۸۹ و ۹۰؛ زهره دهدشتی شاهرخ و حامد عبدالعلی و مرضیه محمدپور دوستکوهی، «نوآوری برای بیمه کردن بیمه‌ناپذیرها»، (ماهنامه تازه‌های جهان بیمه، شماره ۱۴۶، مرداد و شهریور ۱۳۸۹، صص ۱۵ - ۲۶)، ص ۱۸.

ورود خسارت به یک یا چند بیمه‌گزار، اثر زیادی بر سایر بیمه‌گزاران وارد نکرده به طور مثال اگر مغازه‌های منطقه‌ای خاص، توسط یک بیمه‌گر بیمه شود در صورت وقوع خطری مانند آتش‌سوزی، ممکن است وقوع این حادثه، به ورشکستگی بیمه‌گر منجر گردد^۱ یا مثلاً اگر بیمه‌گر کالاهای بیمه شده در یک کشتی را بیمه کرده باشد، این اقدام یک تجمع خطر است که می‌تواند با وقوع حادثه‌ی طوفان و خطر نابودی کشتی، خسارت سنگینی را به او وارد سازد لذا باید حادثه یا خطر باید طوری باشد که برخلاف این دو مثال از پراکندگی برخوردار باشد تا باعث ورود خسارت سنگین بر بیمه‌گر نگردد. در زندگی روزمره نیز تمامی مردم یک‌جا، در یک زمان و در یک مکان، تصمیم به طلاق نمی‌گیرند بلکه میزان و آمار طلاق‌ها به خوبی نشان می‌دهد که این رویداد روندی پراکنده داشته و در سراسر ایران به وقوع می‌پیوندد لذا بروز طلاق به طور عادی در تمام نقاط کشور، پراکندگی این حادثه را به خوبی نشان می‌دهد.

محتمل بودن: به این معناست که حادثه یا خطر تعیین شده نه حتمی‌الوقوع باشد و نه غیر ممکن باشد^۲ زیرا اگر حتمی‌الوقوع باشد میزان حق بیمه معادل همان خسارتی باید باشد که قرار است بیمه‌گر بپردازد و اگر غیر ممکن باشد بیمه نمودن آن خطر، کاری بیهوده و غیر ضروری است. وقوع طلاق به عنوان یک رویداد، هر لحظه ممکن است در طول

^۱ - Judy Feldman Anderson Fsa & Robert L. Brown, Fsa, "Risk and Insurance", (Education and Examination committee of the Society of Actuaries, Available at: <www.soa.org/files/pdf/P-21-05.pdf> , Last visited: 27/9/2013), p 6.

^۲ - روزه - بو، پیشین، ص ۸۹؛ فاطمه نصری، «ویژگی‌های ریسک بیمه‌پذیر»، (بینش: مجله الکترونیک بیمه ملت، شماره

۱۴، آبان ۱۳۹۱، قابل دسترسی در: <<http://www.bineshjournal.ir/۱۴.pdf>>، تاریخ رجوع:

۱۳۹۲/۶/۲۸)، ص ۷ و ۸؛ محمد آل شیخ، «شرایط ماهوی صحت عقد بیمه و ساختار شکلی آن»، (فصلنامه

صنعت بیمه، سال بیستم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۴، صص ۸۷-۱۲۲)، ص ۱۰۶.

زندگی رخ دهد و اتفاقی احتمالی است، در مقابل نیز این گونه نیست که وقوع آن امری غیر ممکن و محال در آینده باشد و هیچ گاه بین زوجین طلاقى بوجود نیاید.

آتی بودن: یعنی حادثه یا خطر مورد نظر باید مربوط به زمان آتی باشد نه گذشته زیرا در این صورت قرارداد باطل است اگرچه طرفین از آن آگاه نباشند.^۱ طلاق نیز عمل حقوقی است که در آینده و بعد از انعقاد قرارداد بیمه‌ی طلاق ممکن است رخ دهد و اگر پیش از آن روی داده باشد انعقاد قرارداد بیمه، باطل است.

غیر ارادی بودن: یعنی اینکه وقوع خطر نباید وابسته به اراده‌ی بیمه‌گر یا بیمه‌گزار باشد به طور مثال خودکشی یا خودزنی نمی‌تواند تحت پوشش بیمه قرار گیرد.^۲ در بیمه‌ی طلاق نیز با قرار گرفتن زوجه یا دولت به عنوان بیمه‌گزار قرارداد بیمه، این مشکل به راحتی مرتفع می‌گردد زیرا در حالات مزبور شوهر در قرارداد بیمه به عنوان بیمه‌گزار دخالتی ننموده و منوط بودن وقوع طلاق به عنوان حادثه‌ی قرارداد بیمه به اراده‌ی زوج، اشکالی را ایجاد نخواهد نمود.

ب: موضوع و مورد بیمه

موضوع در حقوق بیمه، تحت پوشش قراردادن حادثه یا خطری است که ممکن است متوجه جان یا مال یا مسئولیت شخص گردد بنابراین آنچه که به عنوان خطر تحت پوشش بیمه قرار می‌گیرد «موضوع بیمه»^۳ نامیده می‌شود. ماده‌ی ۴ ق.ب در این رابطه بیان می‌دارد: «موضوع بیمه ... همچنین ممکن است بیمه برای حادثه یا خطری باشد که از وقوع

^۱ - روزه - بو، پیشین، صص ۸۹ و ۹۰.

^۲ - همان، صص ۸۹ و ۹۰؛ محمد جعفر جعفری لنگرودی، دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت، جلد اول، (تهران،

مشعل آزادی، ۱۳۵۷)، ص ۶۳۴.

^۳ - Insurance Subject or Subject Matter of Insurance

آن بیمه‌گذار متضرر می‌گردد». از این رو گفته شده است؛ موضوع بیمه یعنی «قبول خطر (تعهد جبران خسارت یا پرداخت سرمایه)».^۱ همچنین آنچه را که در مقابل خطر، بیمه می‌شود، در صورتی که مال باشد «مورد بیمه»^۲ و اگر شخص باشد «بیمه‌شده»^۳ نامیده می‌شود. قانونگذار در ماده‌ی ۴ ق.ب، صرفاً به موضوع بیمه پرداخته و مصادیق آن را تعیین نموده است اما متعرض مورد بیمه نشده و آن را عنوان ننموده است، به نظر هم نمی‌رسد تمایز آن دو، در عمل منفعت خاصی را در بر داشته باشد.

بخش سوم: نظریات، راهکارهای اجرا و شرایط بهره‌مندی از بیمه‌ی طلاق

از مهم‌ترین دغدغه‌های زنانی که در حال گذراندن زندگی زناشویی خود هستند، حوادث و اتفاقاتی است که ممکن است زندگی آنان را تهدید ساخته و سرنوشتی نامعلوم را برای آنها به وجود آورد. پیش‌بینی راهکاری برای حصول اطمینان از آینده‌ی زندگی تمامی زنان، کاری معقول و منطقی است. یکی از ابزارهای وصول به چنین اطمینانی، تدارک نهاد حقوقی بیمه‌ی طلاق است که از حیث نظری، پیش‌بینی و اجرای آن مانند هر نهاد حقوقی نوین دیگری با نظریاتی مواجه است، لذا خالی از فایده نیست که این نظریات مورد بررسی قرار گیرد تا نقاط قوت و ضعف بیمه‌ی طلاق آشکار گردد. صحبت از هر نهاد حقوقی جدیدی بدون وجود راهکارهای اجرایی، عملی است که نه تنها در میان عقلاء کاری نامطلوب است، که در میان عرف مردم نیز، کاری بی‌فایده است؛ لذا طرق و راهکارهایی که بتواند بیمه‌ی طلاق را در جامعه به جریان انداخته و بهره‌مندی زنان را از آن ایجاد سازد،

^۱ - جانعلی محمود صالحی، پیشین، ص ۲۸۰.

^۲ - Insurance Interest.

^۳ - همان.

^۴ - تفکیک مزبور توسط برخی حقوق‌دانان، در مباحث مرتبط با عقود معین، نسبت به موضوع عقد و مورد عقد نیز صورت گرفته است. برای مطالعه‌ی بیشتر رجوع کنید به: (ناصر کاتوزیان، پیشین، ص ۱۲۸).

باید مورد کنکاش قرار گیرد. همچنین طبیعی است که اجرای این نهاد حقوقی، مستلزم وجود شرایطی است که تنها با تحقق تمامی آنها در کنار یکدیگر، اعتبار بهره‌مندی زوجه از بیمه‌ی طلاق، فراهم می‌گردد که این شرایط باید مورد بررسی قرار گیرد. از این رو، مطالب این فصل در سه مبحث نظریات، ساز و کارهای اجرای بیمه‌ی طلاق، شرایط اعتبار بیمه‌ی طلاق، تقسیم‌بندی شده و پاسخ سؤالات زیر در آنها جستجو و جواب داده خواهد شد.

بند اول: دیدگاه مخالف

مخالفت با اجرای بیمه‌ی طلاق، هیچ‌گاه به معنای طرد زنان مطلقه یا عدم حمایت مالی از آنان نیست بلکه مشکلاتی که ممکن است در مسیر اجرای بیمه‌ی طلاق بروز نماید موجب ابراز مخالفت شده و چه بسا با اجراء چنین طرحی نیز مخالفتی وجود نداشته باشد اما به هر حال به علت ایرادهای مطرح شده از سوی آنان تحت عنوان مخالفین شناخته می‌شوند. ایراداتی که مطرح شده است در قالب سه بند تنظیم و مطالعه خواهد شد. یک وجه از مخالفت با بیمه‌ی طلاق این است که اجرای چنین طرحی، با تکیه بر پشتوانه‌ی مالی پس از طلاق، موجب ایجاد انگیزه یا افزایش تمایل زنان برای جدایی از همسران خود خواهد شد. هم‌چنین ممکن است زوجین با هدف استفاده از سرمایه بیمه، ازدواج‌های صوری انجام دهند که این اقدامات، موجب ضربه خوردن اخلاق اجتماعی و اعتماد عمومی خواهد شد.

الف: افزایش نرخ طلاق

طرح و اجرای این نوع بیمه، با امید بستن به حمایت مالی بیمه‌گر در زمان پس از طلاق، باعث تشدید طلاق و تحریک زوجین و به ویژه زنان برای جدایی خواهد شد^۱، به

^۱ - سید هادی معتمدی، (سایت هموطن سلام، پوران محمدی، «بیمه طلاق، طرحی که فراموش شد...»، قابل دسترسی

خصوص اینکه واژه‌ی بیمه‌ی طلاق، خود نیز مزید بر علت شده و آنان را برای سوق یافتن به طلاق، جری‌تر می‌سازد که این امر برخلاف اصول تحکیم خانواده است. هم‌چنین عنوان «بیمه‌ی طلاق» به دلیل بار منفی روحی و روانی که بر زندگی زوجین دارد ممکن است خود به نوعی بازدارندگی برای زوجین و به ویژه مردان در پذیرش این نوع بیمه مبدل گردد.^۱ ولی باید توجه داشت که، اولاً طرد طرح بیمه‌ی طلاق به صرف این ادعا که ممکن است باعث ترویج طلاق گردد، غیر اصولی است زیرا نمی‌توان بنا را بر احتمالات و فرضیات گذاشته و چشم را بر روی واقعیت‌های تلخ فعلی جامعه بست. ثانیاً تحقق طلاق منوط به اراده‌ی مردان است نه زنان، بنابراین هرچند زنان تمایل به جدایی از همسران خود را داشته باشند، اما تا زمانی که دلایل موجهی مانند عسر و حرج، عدم پرداخت نفقه، عیوب موجب فسخ نکاح و ... وجود نداشته باشد، نمی‌توانند از همسران خود جدا شوند، به همین دلیل تمایل برای جدایی از سوی آنان نیز، باعث وقوع طلاق نخواهد شد. حتی در صورتی که بنا به دلایل قانونی مانند عدم پرداخت نفقه و عدم امکان اجبار زوج به پرداخت، وجود عسر و حرج و ...، زوجه بتواند از شوهر خود طلاق بگیرد، با توجه به شرایط اعمال بیمه‌ی طلاق که در مباحث آتی بیان خواهد شد، تحت شمول بیمه‌ی طلاق قرار نگرفته و نمی‌تواند از حمایت مالی بیمه‌گر بهره‌مند گردد زیرا تقاضای طلاق نباید از سوی آنان صورت گرفته باشد. ثالثاً همین انتقادات در زمانی که قرار شد بیمه‌ی اجباری دارندگان وسایل نقلیه‌ی موتوری زمینی اجرا گردد، مطرح شد، مبنی بر اینکه؛ از این پس رانندگان به راحتی و بدون تشویش خاطر باعث وقوع تصادفات خواهند شد زیرا مسئولیت مدنی آنان

از پیش تضمین شده است، اما چنین اتفاقی هرگز رخ نداد.^۱ فراتر از آن، این است که حتی اگر بیمه‌های اجباری دارندگان وسایل نقلیه‌ی موتوری زمینی از حالت اجباری خود خارج شوند نیز، باز هم مردم برای دوری از خطرات احتمالی آتی که ممکن است در صورت تصادف دچار آن شوند، بی‌تردید در سطح وسیعی اقدام به عقد قراردادهای بیمه‌ی شخص ثالث خواهند نمود لذا در بیمه‌های طلاق به ائقن می‌توان گفت: اجرای این طرح موجب از هم پاشیده شدن خانواده‌ها نخواهد شد. همچنین هدف پیش‌گرفته در اجرای بیمه‌های اجباری مسئولیت مدنی رانندگان در اجرای بیمه‌های طلاق نیز می‌تواند مورد استناد قرار گیرد چه آنکه اجرای اجباری بیمه‌های شخص ثالث با هدف زدودن یا کاهش آثار زیان‌بار اجتماعی ناشی از تصادفات (حبس رانندگان دارای ضعف مالی) پیش‌بینی شده است، وانگهی پیش‌بینی قراردادهای بیمه‌ی طلاق نیز، برای محو یا کاهش جرائم و مفاسدی است که توسط زنان مطلقه رخ داده و ریشه در فقر اقتصادی آنان دارد که می‌تواند با هدف از بین بردن آثار مخرب اجتماعی مورد حمایت قرار گیرد. در رابطه با عنوان نکوهیده‌ی «بیمه‌ی طلاق» نیز با حفظ محتوا می‌توان عنوان آن را تغییر داد زیرا لزوماً نیازی نیست که واژه‌ی بیمه‌ی طلاق به کار گرفته شود تا منجر به ترغیب زوجین به طلاق یا عدم پذیرش آن از سوی مردان، گردد لذا می‌توان از واژه‌های جایگزینی مانند «بیمه‌ی حمایت اقتصادی از زنان مطلقه»، «بیمه‌ی صیانت اقتصادی از زنان»^۲، «بیمه‌ی حمایت از زنان در حالت ویژه»،

۱- جواد سهامیان مقدم، (سایت هموطن سلام، پیشین).

۲- سید محمد صادق طباطبایی و عاطفه محمدزاده یزد، پیشین، ص ۸۰؛ جواد سهامیان مقدم، (سایت هموطن سلام، پیشین).

«حمایت از زنان در حال جدایی از همسر»^۱ و ... که دارای بار منفی روحی و روانی نیستند استفاده نمود.

ب: وقوع طلاق‌های صوری

یکی دیگر از وجوه مخالفت با بیمه‌ی طلاق این است که، اجرای چنین طرحی، ممکن است راه را برای سوءاستفاده برخی از افراد سودجو و فرصت‌طلب هموار سازد تا بدون هیچ قصد جدی، با انجام طلاق‌های صوری از مستمری بیمه‌ی طلاق استفاده کنند.^۲ در جواب می‌توان بیان داشت، اولاً نمی‌توان به صرف این که ممکن است عده‌ای از این طرح سوء استفاده کنند، اجرای بیمه‌ی طلاق را به طور کلی متفی کرد زیرا هر طرح و نهادی ممکن است مورد سوءاستفاده یک عده‌ی خاص قرار گیرد... ثانیاً مبلغ پیش‌بینی شده برای پرداخت به زنان مطلقه، از میزان بالایی برخوردار نیست که موجب ایجاد انگیزه برای جدایی صوری زوجین از یکدیگر شود. ثالثاً در جامعه‌ی کنونی ایران، با توجه به زندگی سستی، زنان به خوبی متوجه این نکته هستند که با طلاق صوری گرفتن از همسرانشان، امکان ازدواج مجدد برای شوهران بسیار افزایش خواهد یافت لذا بخاطر مستمری اندک پس از طلاق، هیچ‌گاه خود را در معرض جدایی قرار نمی‌دهند^۳ لذا می‌توان با آگاهی بخشیدن خطر این روش به زنان، از اقدام به چنین روشی مانع شد. رابعاً براساس منطق و روح ماده‌ی ۱۴ ق.ب که مقرر داشته است: «بیمه‌گر مسئول خسارات ناشیه از تقصیر بیمه‌گذار یا نمایندگان او نخواهد بود»، می‌توان گفت؛ با اطلاع یافتن بیمه‌گر از

^۱ - سایت جام‌جم، «طرح بیمه طلاق با هدف تامین اعتبار به مجلس می‌رود»، (قابل دسترسی در: <http://www.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=۱۰۰۰۴۱۷۵۰۲۶>)، تاریخ

درج: ۱۳۸۳/۶/۶، تاریخ رجوع: ۱۳۹۲/۵/۱۸).

^۲ - بهرام بهرامی، (سایت هموطن سلام، پیشین).

^۳ - جواد سهامیان مقدم، (سایت هموطن سلام، پیشین).

صوری بودن طلاق، دارای چنین اختیاری است که زن مطلقه را از دریافت بیمه شده محروم سازد زیرا صوری واقع نمودن طلاق، نوعی تجاوز از حدود متعارف است نسبت به حق بیمه گر، که از مصادیق تعدی تلقی می‌شود^۱ و بیمه گر می‌تواند اقدام به استرداد مبلغ پرداخت شده نماید. علاوه بر این، شرکت‌های بیمه می‌توانند از کارشناسان خبره‌ای که در دعاوی خانوادگی از مهارت و دانش کافی برخوردارند، استفاده کنند تا از وقوع صوری یا حقیقی بودن طلاق‌ها به راحتی اطلاع یابند.

بند دوم: عدم امکان اطلاع از ازدواج یا اشتغال زنان مطلقه

اشکال دیگر، در آگاهی نیافتن از عدم استحقاق زن مطلقه است زیرا او ممکن است اقدام به ازدواج مجدد نماید یا شغلی را برای خود برگزیند و با یکی از این دو روش، از استحقاق پوشش بیمه‌ای خارج گردد، بدون این که اطلاعی از آنها وجود داشته باشد. در پاسخ می‌توان گفت؛ با ثبت اینترنتی مشخصات کامل همه زنان بیمه شده، شرکت‌های بیمه با کسب اجازه از سازمان ثبت احوال کشور می‌توانند از تمامی ازدواج‌ها و طلاق‌ها مطلع باشند. البته به نظر می‌رسد باید در هنگام انعقاد قراردادهای بیمه‌ی طلاق، از زوجه، برای آگاهی از طلاق و ازدواج مجدد او، کسب اجازه شده باشد و سازمان ثبت احوال کشور نیز با تکیه به وجود چنین اجازه‌ای بتواند به شرکت‌های بیمه مجوز آگاهی از وقوع طلاق‌ها و ازدواج‌های مجدد را بدهد. به عنوان مثال در کشور کانادا ثبت طلاق فقط از طریق دادگاه صورت می‌گیرد و بانک اطلاعاتی طلاق‌ها که در اختیار دادگاه‌ها می‌باشد به بانک اطلاعاتی آمارهای حیاتی (ثبت احوال کشور کانادا) لینک دارد به این معنا که تمامی

۱- براساس مواد ۹۵۳ ق.م: «تقصیر اعم است از تفریط و تعدی» و ۹۵۱ ق.م: «تعدی، تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف است نسبت به مال یا حق دیگری».

طلاق‌ها که در دادگاه‌ها صورت می‌گیرد در مرکز ثبت پردازش طلاق در دپارتمان دادگستری کانادا به ثبت رسیده و نگهداری می‌شود و فایل‌های مربوط به آنها به صورت دوره‌ای به مرکز آمارهای حیاتی کانادا ارسال می‌گردد.^۱ در کشور ایران دادگاه‌ها صرفاً دستور طلاق یا اجازه‌ی طلاق را صادر می‌نمایند و اجرای صیغه‌ی طلاق با تحقق شرایط لازم، در دفتر رسمی ازدواج و طلاق صورت می‌گیرد. علی‌رغم الکترونیکی شدن ثبت دادخواست‌ها و شکایات در سال‌های اخیر^۲، وقوع ازدواج‌ها و طلاق‌ها برای دادگاه‌ها ارسال نمی‌گردد بلکه این سازمان ثبت احوال کشور است که از طریق دریافت اسناد مکتوب ثبت‌شده‌ی طلاق‌ها توسط دفتر رسمی ازدواج و طلاق، از وقوع و تعداد طلاق‌ها مطلع می‌گردد. سازمان ثبت احوال کشور از سازمان‌های زیربُط و تحت نظارت قوه‌ی قضائیه محسوب نمی‌گردد بنابراین دادگاه‌ها نمی‌توانند از تعداد دقیق وقوع طلاق‌ها مطلع گردند لذا شرکت‌های بیمه‌گر برای اطلاع از وقوع طلاق‌ها باید به سازمان ثبت احوال کشور مراجعه نمایند. منظور از اشتغال، استخدام دولتی یا خصوصی است که زن مطلقه از این طریق، مشمول قوانین استخدامی کشور می‌گردد. در این ارتباط، سیستم‌های ثبتی اداره‌های کار تا حدود زیادی مطلع از تعداد شاغلین استخدامی کشور هستند بنابراین شرکت‌های بیمه می‌توانند با کسب مجوز از زنان و همکاری با وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و ادارات ذیربُط، از اشتغال زنان مطلقه اطلاع یابند.

بند سوم: عدم استقبال از سوی مردان

^۱ - سایت سازمان ثبت احوال کشور، «ثبت احوال کشور کانادا»، (قابل دسترسی در: <http://www.sabteahval.ir/Upload/Modules/Contents/asset/canada.pdf>)، تاریخ

رجوع: ۱۳۹۲/۱/۱۵، ص ۳۳ و ۳۴.

^۲ - آیین‌نامه ارائه خدمات الکترونیک قضایی مصوب ۱۳۹۱/۳/۲۲: مواد ۵ و ۶.

همچنین اشکال شده است که، اجرای این طرح از سوی مردان با استقبال روبه‌رو نخواهد شد و حتی در صورت اجباری شدن، مردان از قبول آن شانه خالی خواهند نمود، پس چگونه می‌توان آن را اجرا نمود؟ برخی برای رفع این مشکل معتقدند؛ برای اجرای صحیح این بیمه، به جای آنکه مردان در عقدنامه ملزم به انعقاد قرارداد بیمه‌ی طلاق شوند، بهتر است ماهانه بخشی از مبلغ حقوق مردان متأهل شاغل که به صورت مالیات از سوی دولت اخذ می‌شود بدین منظور اختصاص داده شود و در صندوق ویژه‌ای که تهیه شده است، واریز گردد.^۱ البته این راه حل فقط مختص کارمندان دولتی بوده و نمی‌تواند تمام زنان مطلقه را شامل شود. همچنین می‌توان امتیازات ویژه‌ای برای خانواده‌هایی که حاضر به پذیرش اجرای چنین بیمه‌هایی می‌شوند، قائل شد تا بدین ترتیب رغبت و انگیزه‌ی مردان به پذیرش بیمه‌ی طلاق افزایش یابد.^۲ به هر حال، نظریات مخالف، نگران نحوه‌ی اجرای بیمه‌ی طلاق و حمایت از زنان مطلقه است و به اصل بیمه اعتراضی ندارد.

بند چهارم: دیدگاه موافق

اگرچه فی‌نفسه پیش‌بینی و تدارک راهکارهایی برای ممانعت از وقوع طلاق مطلوب است، اما بدیهی است وقوع طلاق همیشه ممانعت‌پذیر نیست چون نمی‌توان به طور مطلق مانع وقوع طلاق شد و چه بسا بعضاً برای خروج زوجه از یک زندگی غیر قابل تحمل، باید حمایت و جانبداری از او به عمل آید، به طوری که چنین جوازی در ماده‌ی ۱۱۳۰ ق.م.مورد پیش‌بینی قرار گرفته است، اما این بدان معنا نیست که زنان مطلقه‌ی بی‌بضاعت به علت تقاضای طلاق از سر ناچاری، به حال خود رها شده و هیچ گونه حمایتی از آنها به عمل نیاید. با اجرای طرح بیمه‌ی طلاق اولین و بارزترین ثمره‌ای که قابل

^۱ - سید هادی معتمدی، (سایت هموطن سلام، پیشین).

^۲ - بهرام بهرامی، همان.

حصول است، این می‌باشد که شأن و منزلت یک زن به ویژه زنی که با جدا شدن از همسرش، بیش از گذشته نیازمند حمایت است، تا حدود زیادی حفظ می‌شود و در درجه بعد، با حمایت از اجرای بیمه‌ی طلاق، آسیب‌ها و تبعات منفی مبتنی بر علل اقتصادی پس از طلاق، کاسته شده و امکانات لازم برای تداوم یک زندگی متوسط و ایجاد یک حداقلی از امنیت اقتصادی و اجتماعی برای زنان مطلقه فراهم می‌گردد. اجرای بیمه‌ی طلاق دارای منافع است که برای زنان، فرزندان آنان، افراد جامعه و نهایتاً برای تمام جامعه، حاصل می‌گردد که اهمّ ثمرات اجرای بیمه‌ی طلاق در سه بند زوال آسیب‌های اجتماعی عارض بر زنان مطلقه، فرصت و توان کافی برای تربیت و رسیدگب به فرزندان و بهبود سلامت روانی و جسمی افراد جامعه، بررسی خواهد شد. شرایط اقتصادی نابه‌سامان زنان مطلقه و فقر اقتصادی آنان، یقیناً موجب خواهد شد که آنها نیز مانند سایر اقشار جامعه به سوی ارتکاب بزه، اعتیاد و ... سوق یابند. وقوع جرائم، اعتیاد و خودکشی از مهم‌ترین عوامل ایجاد آسیب‌های اجتماعی است. بررسی نتایج به دست آمده از پژوهش‌های محققین، با رویکرد تحلیل ریشه‌ی اقتصادی آسیب‌های مزبور، بار دیگر موجب تأکید بر ضرورت حمایت مالی از زنان مطلقه می‌گردد. نکته‌ای که باید به آن دقت شود این است که، آمارهای ارائه شده (غالباً از طریق پرسشنامه و نظرسنجی) مستقیماً مرتبط با زنان مطلقه نیست اما مبانی اقتصادی به دست آمده در بروز آسیب‌های اجتماعی، به طریق اولی مستولی بر زنان مطلقه است.

الف: ریشه‌ی اقتصادی جرائم

با لحاظ مشکلات و مسائل زندگی به خصوص در زندگی شهرنشینی شهرهای بزرگ و عدم توجه به رفع معضلات خانواده‌های زن سرپرست ناشی از طلاق، این قشر از

زنان می‌توانند آسیب‌های جبران‌ناپذیری را بر جامعه وارد سازند. در برخی مواقع پیش آمده که تأمین معاش زندگی، زنانی از این دست را مجبور به رو آوردن به ارتکاب جرم می‌سازد به طوری که اکثر زنان خیابانی را زنان سرپرست خانوار تشکیل می‌دهند.^۱ آمارهایی که مبین ریشه‌ی اقتصادی وقوع بسیاری از جرائم است اگرچه مستقیماً دخالت زنان را در جرائم نشان نمی‌دهد اما نشان‌دهنده‌ی این امر است که زنان مطلقه که دچار فقر و تندگدستی می‌گردند نیز مانند سایر اقشار جامعه در معرض ارتکاب جرائم قرار دارند. ریشه‌ی اصلی وقوع جرائم مالی، فقر و نیاز اقتصادی مرتکبین است، حتی از نظر برخی علت عمده‌ی جرائم ارتكابی، به علل اقتصادی برمی‌گردد.^۲ به عنوان نمونه می‌توان به برخی یافته‌های پژوهشی که در این رابطه با هدف بررسی ریشه‌ی اقتصادی جرائم صورت گرفته است، اشاره نمود. در پژوهشی که در مقطع زمانی یک ساله ۹۰ - ۱۳۹۱ از طریق بحث و گفتگوی غیر مستقیم از ۱۵۰ فرد بازداشت شده یا دارای سابقه محکومیت کیفری در شهر سرپل ذهاب که در سال ۸۹ - ۱۳۹۰ مرتکب جرم شده‌اند، به عمل آمده، این نتیجه حاصل شده است که بین طبقه اجتماعی افراد و جرم، پیوستگی وجود دارد به نحوی که

^۱ - معاونت آموزش دفتر کاهش آسیب‌های اجتماعی، «نقش آموزش‌های مهارتی فنی و حرفه‌ای در توانمندسازی زنان سرپرست خانوار بعنوان یک آسیب اجتماعی»، (تابستان ۱۳۹۰)، قابل دسترسی در:

<http://svr.irantvto.ir/uploads/130_605_Zanane%20Sarparast.pdf> ،

تاریخ رجوع: ۱۳۹۲/۴/۲۸، ص ۸

^۲ - محمد سریرافراز و سمیه سادات مکیان و فاطمه فهیمی‌فر، «پیش‌گیری از وقوع جرم و جنایت: بستر ساز برقراری جامعه ایمن»، در کتاب: برگزیده مجموعه مقالات دومین همایش جامعه ایمن شهر تهران، شهرام رفیعی‌فر (گردآورنده)، (تهران، مؤسسه نشر شهر، ۱۳۸۸، صص ۲۵۳ - ۲۶۴)، ص ۲۵۳ و ۲۵۴؛ حسین صادقی و وحید شقاقی شهری و حسین اصغرپور، «تحلیل عوامل اقتصادی اثرگذار بر جرم در ایران»، (مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۸، بهار ۱۳۸۴، صص ۶۳ - ۹۰)، ص ۶۳.

ارتکاب جرم در طبقات فقیر جامعه بیش از جرائم ارتكابی طبقات مرفه جامعه است.^۱ در آماری که از سوی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور ارائه شده است، ۱۰/۴۸ درصد از جرائمی که زنان در سال ۱۳۸۰ مرتکب شده اند را جرائم اقتصادی و مالی تشکیل داده است.^۲ در تحقیقی دیگر، نتایج به دست آمده از اطلاعات استخراج شده از پرسش نامه های پر شده توسط زندانیان استان بوشهر، نشان می دهد که ۲۲/۴ درصد از آنان، مشکلات و تنگناهای اقتصادی را عامل اصلی در ارتکاب جرم خود دانسته اند.^۳ براساس گزارش مرکز آمار و اطلاعات قوه قضائیه، بالاترین آمار جرائم مربوط به سرقت های تعزیری با ۴۶۹ هزار پرونده است که بدون شک مهم ترین عامل این سرقت ها توان مالی اندک در مرتکبین است.^۴ در پژوهشی که بر روی ۳۶۱ پرونده از سال های بین ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ و ۴۶ مورد که در سه ماهه ی اول سال ۱۳۸۶ که به مراکز بازپروی در استان اصفهان ارجاع شده بود، به دست آمده است که ۷۸/۳ درصد از دختران و زنانی که مرتکب روسپیگری شده اند، فقر مالی را عامل اصلی در گرایش به این عمل دانسته اند.^۵ در پژوهش

^۱ - ادیب شریفی، بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی مرتبط با جرم (مورد مطالعه شهر سرپل ذهاب)، (پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی گرایش پژوهشگری، دانشگاه پیام نور مرکز اسلام آباد غرب، بهار ۱۳۹۱)، صص ۴۸، ۶۱، ۶۶ و ۷۳.

^۲ - حمید جربانی، «بررسی آماری جرایم زنان ایران»، (مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۴، شماره ۷۲، زمستان ۱۳۸۹)، صص ۹۱-۱۱۷، ص ۱۰۹.

^۳ - اتوسا اسکندری، «بررسی عوامل مؤثر بر بروز آسیب های اجتماعی در استان بوشهر»، (ماهنامه اصلاح و تربیت، سال دوم، شماره ۳۰، شهریور ۱۳۸۳، صص ۲۰-۲۳)، ص ۲۲.

^۴ - سایت تیترا آنلاین، «۱۰ جرم نخست کشور کدامند؟»، (قابل دسترسی در: <http://titronline.ir/vdcd.x.ktyt.9na26y.html?5629>)، تاریخ درج: ۱۳۹۲/۱/۱۷، تاریخ ملاحظه: ۱۳۹۲/۵/۲.

^۵ - علی شاکری و سعید صادقی، «بررسی سبب شناسی گرایش زنان و دختران به آسیب های اجتماعی (روسپیگری)»، در کتاب: آخرین یافته های پژوهشی دستگاه های اجرایی استان (از محل اعتبارات جزء یک بند چ تبصره ۱۲ قانون بودجه سال ۱۳۸۴، اصفهان، معاونت پشتیبانی و توسعه منابع انسانی استانداری اصفهان - دفتر آموزش و پژوهش -

دیگری، که با روش تحقیق پیمایشی (استفاده از پرسشنامه و مصاحبه) از یک نمونه‌ی تصادفی به تعداد ۱۲۵ نفر زندانی از جامعه‌ی آماری به تعداد ۳۴۰ نفر زندانی مرکزی شهر سمنان در محدوده‌ی زمانی فروردین تا شهریورماه سال ۱۳۸۹ که مرتکب جرائم مختلفی شده‌اند، صورت گرفته؛ که ۹۵ درصد اطمینان حاصل شده است که کسب موقعیت بهتر، فقر و محدودیت‌های درآمدی بر وقوع جرم اثرگذار بوده است.^۱ آمار زندانیان نیز نشان‌دهنده‌ی این واقعیت است که جرایم مالی بیشترین تعداد زندانیان را تشکیل داده است.^۲ در پژوهشی دیگر که در استان قم به عمل آمده است، در جامعه‌ی آماری دو زندان «مرکزی» و «کانون اصلاح و تربیت»، ۶۹ درصد افراد زیر خط فقر قرار داشته‌اند و ۵۱/۳ درصد کمبود مالی والدینشان را عامل سرقت دانسته‌اند.^۳ از این آمارها به دست می‌آید که وضعیت اقتصادی نامطلوب بدون شک در وقوع جرائم افراد، تأثیر گذار است، بنابراین زنان مطلقه نیز به عنوان اقشار کم درآمد جامعه، در معرض جدی ارتکاب جرم قرار دارند.

ب: اعتیاد

معاونت پژوهشی، پائیز ۱۳۸۷، قابل دسترسی در: <http://training.ostan-es.ir/portals/40/yaft.9.26.pdf>، صص ۱۶۳ - ۱۷۰، صص ۱۶۴ و ۱۶۶.

^۱ - مجید مداح و ابراهیم خیرخواهان، تجزیه و تحلیل اثر انگیزه‌های اقتصادی در ارتکاب جرم (مطالعه موردی زندانیان شهر سمنان)، (فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۲۵، بهار ۱۳۹۰، صص ۱۰۷ - ۱۳۰)، صص ۱۰۷، ۱۲۶ و ۱۲۷.

^۲ - روزنامه شرق، (سال نهم، شماره ۱۴۴۵، ۱۳۹۰/۱۰/۲۸)، ص ۳.

^۳ - محمد فولادی‌وند، «بررسی میزان و عوامل اقتصادی - اجتماعی مرتبط با سرقت در میان جوانان شهر قم (سال ۱۳۸۲)»، در کتاب: قم در یافته‌های پژوهشی، حسین معین‌آبادی (گردآورنده)، (قم، انتشارات اندیشه‌ی ماندگار، بهار ۱۳۸۵، صص ۲۳۵ - ۲۵۰)، صص ۲۳۹ و ۲۴۳.

با کمک آمارهای ارائه شده در رابطه با علل بروز اعتیاد، می‌توان به ریشه‌های اقتصادی ابتلاء آن دست یافت. در یک یافته‌ی پژوهشی صورت گرفته از میان ۵۰۰ نفر مورد بررسی در استان قم، به دست آمده است که ۲۴/۵ درصد از آنان، دارای وضعیت اقتصادی خوبی بوده و ۵۱ درصد تا حدودی از وضعیت مالی خوب و مناسبی برخوردار بوده و ۲۴/۵ درصد نیز وضعیت اقتصادی ضعیفی داشته و با مشکلات زیادی مواجه بوده‌اند. از میان همین مجموع ۵۰۰ نفره، ۵۳/۸ درصد معتاد بوده و ۴۶/۲ درصد مبتلاء به اعتیاد نبوده‌اند.^۱ در پژوهشی دیگر در همین استان، از میان ۵۳۴ نفر مبتلاء به اختلال وابستگی به مواد مخدر، بیش از ۳/۲ زیر خط فقر زندگی می‌کرده‌اند.^۲ همچنین افراد بیکار حدوداً دو برابر افراد شاغل در معرض اعتیاد قرار داشته‌اند^۳ لذا منطقی است که گفته شود: «هر چه جمعیت فقیر در جامعه بیشتر شود، بر جمعیت معتادان نیز افزوده خواهد شد».^۴

ج: خودکشی

ریشه‌ی اقتصادی خودکشی نیز با اتکاء بر آمارهای ارائه شده روشن می‌گردد. در پژوهشی که در استان قم به عمل آمده است در رابطه با تمام افرادی که در سال ۱۳۷۵ دست به خودکشی زده ولی موفق به این کار نشده‌اند نتایج حکایت از این داشته که زنان بیش از مردان اقدام به خودکشی نموده‌اند به طوری که ۶۰/۱ درصد از خودکشی‌های

^۱ - محمد معصومی و علی خون چمن، «بررسی میزان شیوع اعتیاد و علل آن در استان قم (سال ۱۳۸۳)»، در کتاب: قم در یافته‌های پژوهشی، حسین معین آبادی (گردآورنده)، (قم، انتشارات اندیشه‌ی ماندگار، بهار ۱۳۸۵، صص ۱۹۹ - ۲۱۲)، صص ۲۰۲ و ۲۰۳.

^۲ - حسن بلند، «پیمایش اختلال وابستگی به مواد مخدر در استان قم (سال ۱۳۷۹)»، در کتاب: قم در یافته‌های پژوهشی، حسین معین آبادی (گردآورنده)، (قم، انتشارات اندیشه‌ی ماندگار، بهار ۱۳۸۵، صص ۲۱۳ - ۲۱۸)، ص ۲۱۵.

^۳ - محمد معصومی و علی خون چمن، پیشین، ص ۲۰۹.

^۴ - همان، ص ۲۰۷.

نافرجام مربوط به زنان بوده است.^۱ خودکشی به ویژه در مناطق دارای فرهنگ قبیله‌ای که زنان بنا به دلایل مالی، مورد خشونت واقع می‌شوند بیشتر به چشم می‌خورد. زنان مناطق دارای فرهنگ عشیره‌ای از یک سو به علت مردود و مذموم بودن امر طلاق، نمی‌توانند از شوهران خود جدا شده و خود را از زندگی مشقت‌بار رها سازند و از سوی دیگر عدم وجود هیچ‌گونه تأمین اقتصادی و غیرقابل تحمل بودن زندگی، آنان را ناچاراً را به سمت خودکشی سوق می‌دهد.^۲ در پژوهش انجام شده‌ی دیگری در رابطه با خودکشی که بر روی ۹۳ مورد، صورت گرفته است، به دست آمده است که فراوانی خودکشی در میان زنان بیش از مردان بوده است.^۳ در پژوهشی دیگر، نتایج حاصله نشان‌دهنده‌ی است که در فاصله‌ی زمانی ۶ ماه از ۲۰۷ مورد خودکشی که به بیمارستان ارجاع شده، ۶۹/۱ درصد از آنان را زنان تشکیل داده‌اند.^۴ در پژوهشی که در کشور عربستان طی دو سال بر روی کسانی که اقدام به خودکشی نموده‌اند انجام گرفته، به دست آمده است که ۸۰ درصد از این بیماران را جمعیت زنان تشکیل داده است.^۵ اگرچه آمارهای فوق مستقیماً مرتبط با

۱- احمد نیکزاد، «بررسی عوامل مؤثر در اقدام به خودکشی در استان قم (سال ۱۳۸۲)»، در کتاب: قم در یافته‌های پژوهشی، حسین معین‌آبادی (گردآورنده)، (قم، انتشارات اندیشه‌ی ماندگار، بهار ۱۳۸۵، صص ۲۷۱ - ۲۷۸)، ص ۲۷۵.

۲- بهناز موحدی، پیشین، ص ۶.

۳- سعید بختیارپور و صدیقه قاسمی و ژیلایدی کایدان، «بررسی فرا تحلیلی رابطه جنسیت و وضعیت تاهل با اقدام به خودکشی»، (فصلنامه یافته‌های نو در روان‌شناسی، سال پنجم، شماره ۱۷، زمستان ۱۳۸۹، صص ۷۹ - ۹۵)، صص ۷۹ و ۸۸.

۴- غلامرضا محمدی و اقدس سعادت، «بررسی همه‌گیرشناسی و علت شناسی اقدام به خودکشی و ارتباط آن با متغیرهای جمعیت‌شناسی در بین مراجعین اورژانس بیمارستان ۲۲ بهمن نیشابور در سال ۱۳۸۲»، (فصلنامه اصول بهداشت روانی، سال ششم، شماره ۲۳ و ۲۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۳، صص ۱۱۷ - ۱۲۵)، ص ۱۱۷.

۵- Hamdan Al-Jahdali "and Others", "Pattern and risk factors for international drug overdose in Saudi Arabia", (The Canadian Journal of Psychiatry, Vol 49, No 5, May 2004), p 331.

زنان مطلقه نیست اما مسلماً گویای این واقعیت است که این قشر از زنان با توجه به برخورداری از وضعیت نامطلوب اقتصادی، حمایت‌های مختصر مالی از آنان و تشکیل درصد اندکی از جمعیت شاغلین کشور، به احتمال بسیار زیاد، جزء جمعیت فقیر جامعه قرار گرفته و زمینه‌های ارتکاب خودکشی در آنان پررنگ تر است.

بند پنجم: فرصت و توان کافی برای تربیت و رسیدگی به فرزندان

آسیب‌های ناشی از طلاق، نه تنها زنان را در بر گرفته و آنان را در معرض صدمه دیدن قرار می‌دهد بلکه دامن‌گیر فرزندان آنان نیز گشته و آنها را در معرض فساد قرار خواهد داد. زنان مطلقه باید به تنهایی علاوه بر سرپرستی خانواده، کسب درآمد و مدیریت اقتصادی، مواظبت از بچه‌ها و کارهای خانه را نیز بر عهده گیرند. از یک سو مسأله‌ی فقر اقتصادی این زنان با بالا رفتن تعداد افراد تحت تکفل، حادث‌تر گشته و فرزندان آنان را نیز، در وضعیت نامطلوبی قرار می‌دهد^۱ و از سوی دیگر بسیاری از این زنان به علت عدم وجود شرایط اقتصادی مناسب، ملزم به درگیری و صرف وقت زیادی جهت تأمین مایحتاج و معیشت اولیه‌ی خانواده بوده و فرصت کافی برای تربیت فرزندان خود نخواهند داشت لذا ناچاراً آنان را برای تربیت و رشد رها نموده یا به مراکز تربیتی و آموزشی خارج از خانواده تحویل می‌دهند. صاحب‌نظران اصطلاحاً این مشکل را «فقر زمانی»^۲ نامیده‌اند.^۳

^۱- Sylvia LeRoy, "Welfare and Poverty: Family Matters", (Fraser Forum, New Zeland, March 2004, Available at: <http://nzinitiative.org.nz/site/nzbr/files/perspectives/perspectives-2004/issue47.pdf>), Last visited: 28/9/2013), p 1.

^۲- Time Poverty

^۳- سید محمد سید میرزایی و زهرا عبداللهی و خلیل کمربگی، «بررسی رابطه میان عوامل اجتماعی و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار (مورد مطالعه: زنان شهر ایلام)»، (فصلنامه مطالعات اجتماعی، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۹۰، صص ۷۹-۱۰۸)، ص ۹۱.

قطعاً مدارس و مراکز نگهداری از کودکان مانند مهدکودک‌ها، نمی‌توانند تمامی وظایف تربیتی والدین را انجام داده و جای خالی آنها را تمام و کمال پر کنند، همین امر زمینه‌های ایجاد شکاف و جدایی بین فرزندان و مادران شده و فرزندان آنان را در معرض افزایش افت تحصیلی، انحراف و ارتکاب بزه در آینده، قرار می‌دهد به طوری که براساس یافته‌ی یک پژوهش، به دست آمده است که رها ساختن یا واگذار کردن کودکان به مراکز تربیتی جهت نگهداری، یکی از علل افزوده شدن تعداد معتادان در جامعه خواهد بود.^۱

بند ششم: بهبود سلامت روانی و جسمی افراد جامعه

سلامت و سعادت جامعه، در گرو سلامت روحی، روانی و جسمی افراد آن جامعه است. زنان مطلقه به عنوان اعضای جامعه در صورت ابتلاء به نابسامانی‌های اخلاقی، کج‌روی و انحرافات مذموم، دامن اعضاء دیگر جامعه را خواهند گرفت. این نگرانی زمانی شدت می‌یابد که آمارهای حاصل شده آن را ثابت می‌کند: براساس پژوهشی به دست آمده است که ۴۱ درصد از زنان سرپرست خانوار که تحت پوشش سازمان بهزیستی قرار دارند از سلامت جسمی برخوردار نیستند و ۳۱ درصد از کل این زنان در حد نامناسبی از نظر سلامت روانی قرار دارند، البته الزاماً ریشه‌ی بیماری‌های روانی و جسمی آنان در فقر مالی نیست اما شکی نیست نیاز اقتصادی از عمده‌ترین دلایل تن دادن به جرایم یا فسادهای غیر اخلاقی است که این عوارض را به دنبال دارد. اگر راهکاری مطمئن برای حمایت اقتصادی از زنان مطلقه پیش‌بینی نگردد بدون شک انحرافات بیش از پیش گریبان‌گیر آنان شده و ریشه و بنیان یک جامعه‌ی سالم را به عنوان حلقه‌ای از مجموعه‌ی افراد تشکیل‌دهنده‌ی آن، دچار ضعف و سستی خواهد نمود.

^۱ - محمد معصومی و علی خون چمن، پیشین، صص ۲۱۰ و ۲۱۲.

نتیجه گیری

اگرچه در حال حاضر، بیمه‌ی طلاق نه در قانون و نه در فهرست قراردادهای بیمه‌ای پذیرفته شده در بیمه مرکزی ایران، قرار نگرفته است اما با فراهم گشتن مقدمات، ملزومات و مباحث لازم، قابل طرح، ارائه و اجراست. طلاق را می‌توان یک حادثه تلقی نمود، زیرا دارای چهار خصیصه‌ی خارجی، غیرقابل دفع، غیر قابل پیش‌بینی و ناگهانی بودن است. همچنین طلاق برای زوجه، موجب ایجاد خطر می‌گردد چه آنکه طلاق به عنوان یک حادثه، باعث شکل‌گیری یک وضعیت ناخوشایندی است که بلافاصله پس از آن حاصل می‌گردد. علاوه بر این، ویژگی‌های نه‌گانه‌ی حادثه یا خطر درمورد طلاق نیز وجود داشته و می‌تواند با دارا بودن این عناصر، در گروه حوادث یا خطرات قرار گیرد. موضوع بیمه در بیمه‌ی طلاق، خطر واقع شدن طلاق بین زوجین است. مورد بیمه نیز زوجه‌ای است که در مقابل این وضعیت تحت حمایت بیمه قرار گرفته و اصطلاحاً بیمه‌شده نامیده می‌شود. مبلغی که شوهر یا شخص ثالث و یا خود زوجه به بیمه‌گر پرداخت می‌نمایند، حق بیمه نامیده شده و آنچه که بیمه‌گر به صورت یک‌جا یا غالباً به صورت مستمری، با وقوع طلاق به زن مطلقه می‌پردازد، وجه بیمه نامیده می‌شود. ماهیت حقوقی بیمه‌ی طلاق می‌تواند یکی از این دو حالت باشد: اول اینکه، بیمه‌ی طلاق در کنار بیمه‌های عمر، حادثه و درمان، به عنوان یکی از اقسام بیمه‌های اشخاص باشد. دوم اینکه، یک نوع بیمه‌ی عمر در صورت حیات مشروط به طلاق است. اجرای بیمه‌ی طلاق با نظریات مخالف و موافقی روبه‌رو شده است که در جواب به مهم‌ترین ایراد مخالفین در اجرای بیمه‌ی طلاق که آن را باعث تشدید طلاق و تحریض زوجین و به ویژه زنان برای جدایی می‌دانند، می‌توان بیان داشت:

اولاً تحقق طلاق منوط به اراده‌ی مردان است نه زنان، بنابراین هرچند زنان تمایل به جدایی

از همسران خود را داشته باشند، اما تا زمانی که دلایل موجهی مانند عسر و حرج، عدم

پرداخت نفقه، عیوب موجب فسخ نکاح و ... وجود نداشته باشد، نمی‌توانند از همسران خود جدا شوند. ثانیاً مبلغ پیش‌بینی شده برای پرداخت به زنان مطلقه، از میزان بالایی برخوردار نیست که موجب ایجاد انگیزه برای جدایی زوجین از یکدیگر شود. ثالثاً لزوماً نیازی نیست که از عبارت بیمه‌ی طلاق استفاده شود تا منجر به ترغیب زوجین به طلاق یا عدم پذیرش آن از سوی مردان، گردد و می‌توان از واژه‌های جایگزینی مانند «بیمه‌ی صیانت اقتصادی از زنان»، «بیمه‌ی حمایت از زنان در حالت ویژه»، «حمایت از زنان در حال جدایی از همسر» و ... که دارای بار منفی روحی و روانی نیستند استفاده نمود. رابعاً در جامعه‌ی کنونی ایران، با توجه به زندگی سنتی، زنان به خوبی متوجه این نکته هستند که با طلاق گرفتن از همسرانشان، امکان ازدواج مجدد برای آنان بسیار کاهش خواهد یافت لذا بخاطر مستمری اندک پس از طلاق، هیچ‌گاه خود را در معرض جدایی قرار نمی‌دهند.. خامساً با ثبت اینترنتی مشخصات کامل همه زنان مطلقه‌ی استفاده‌کننده از قرارداد بیمه‌ی طلاق، شرکت‌های بیمه با کسب اجازه از سازمان ثبت احوال کشور می‌توانند از تمامی ازدواج‌ها و طلاق‌ها مطلع باشند. برای پاسخ به اشکال صوری واقع نمودن طلاق‌ها نیز می‌توان بیان داشت؛ براساس منطق و روح ماده‌ی ۱۴ ق.ب که مقرر داشته است: «بیمه‌گر مسئول خسارات ناشیه از تقصیر بیمه‌گذار یا نمایندگان او نخواهد بود»، می‌توان گفت؛ با اطلاع یافتن بیمه‌گر از صوری بودن طلاق، دارای چنین اختیاری است که زن مطلقه را از دریافت مبلغ بیمه‌شده محروم سازد زیرا صوری واقع نمودن طلاق با قصد سوء، نوعی تجاوز از حدود متعارف است نسبت به حق بیمه‌گر، که از مصادیق تعدی تلقی می‌شود. در رابطه با ساز و کارهای اجرای بیمه‌ی طلاق، دو راهکار کلی قابل ارائه است: نخست، اراده‌ی آزاد و اختیاری اشخاص، دوم، با حمایت و دخالت دولت در اجرای بیمه‌ی طلاق.

در صورت اراده‌ی آزاد افراد، شیوه‌های قابل ارائه عبارتند از اینکه: در قالب قرارداد بیمه‌ی تجاری انعقاد یابند، یا در قالب شروط ضمن عقد به صورت انتخابی در عقدنامه‌ها یا قراردادهای خارج لازم شرط شود یا اینکه با ملحق شدن به شروط ارشادی، بیمه‌ی طلاق یا تعهد به پرداخت حق بیمه‌های آن پیش‌بینی گردد، همچنین می‌تواند در قالب مهرالمسمی به عنوان مهریه قرار گیرد و یا اینکه دامنه نفقه‌ی زنان با الزام به پرداخت حق بیمه از سوی شوهر به عنوان مصداقی از لوازم آن، گسترش یابد. این راهکارها از جهت شرعی و قانونی دارای ممنوعیتی نیست. در صورت حمایت از سوی دولت نیز، با گسترش قلمرو موضوعی و مصداقی بیمه‌های اجتماعی یا با بیمه‌گزار قرار گرفتن دولت یا پرداخت تمام با بخشی از حق بیمه‌ها، براساس راهبردهای نظام حمایتی تأمین اجتماعی، زنان مطلقه می‌توانند از بیمه‌ی طلاق بهره‌مند گردند.

منابع و مآخذ

- ۱- آستین، عبدا...، و دیگران، مجموعه واژگان بیمه‌ای (در متون بیمه‌ای فارسی)، تهران، ناشر: پژوهشکده بیمه (وابسته به بیمه مرکزی ج.ا.ا)، تابستان ۱۳۹۰.
- ۲- استوار سنگری، کورش، حقوق تأمین اجتماعی، تهران، میزان، ۱۳۸۳.
- ۳- اعتضادپور، ناهید، و فهیمه رجبی‌راد، تأمین اجتماعی در ایران، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۷۵.
- ۴- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد ۴ و ۵، تهران - ایران، انتشارات اسلامی، بی‌تا.
- ۵- انجمن ایرانی مطالعات زنان، خبرنامه دوره پنجم، شماره بیست و دوم، تیر ۱۳۸۶.
- ۶- اوبر، ژان لوک، بیمه عمر و سایر بیمه‌های اشخاص، ترجمه: جانعلی محمود صالحی، بی‌جا، بیمه مرکزی ایران، ۱۳۷۲.
- ۷- بابایی، ایرج، حقوق بیمه، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۸۳.
- ۸- برنا، حمید، تعمیم بیمه‌های اجتماعی، تهران، انتشارات پیام، اسفند ۱۳۵۱.
- ۹- بو، روژه، حقوق بیمه، ترجمه: محمد حیاتی، تهران، بیمه مرکزی ایران، ۱۳۷۸.
- ۱۰- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، رساله نوین «مسائل اقتصادی»، ترجمه بخشهایی از تحریرالوسیله امام خمینی، جلد دوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷.
- ۱۱- بیات، اسدالله، منابع مالی دولت اسلامی، بی‌جا، انتشارات کیهان، ۱۳۶۵.
- ۱۲- پناهی، بهرام، کارکردهای تأمین اجتماعی در ایران (ضرورت‌های برپایی نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی)، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۸۵.
- ۱۳- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت، جلد اول، تهران، مشعل آزادی، ۱۳۵۷.

- ۱۴- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، بی‌جا، راه رشد، ۱۳۸۹.
- ۱۵- فیض‌زاده، علی، و سعید مدنی قهفرخی، بررسی مفهوم رفاه و تأمین اجتماعی در ایران و جهان، تهران، مؤسسه پژوهش تأمین اجتماعی، آذر ۱۳۷۹.
- ۱۶- قابل، احمد، اسلام و تأمین اجتماعی: مبانی و راهکارهای حمایتی و بیمه‌ای در قرآن، روایات، اخلاق و فقه اسلامی، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۸۲.
- ۱۷- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: مشارکتها، صلح و عطایا، (تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۶۳.
- سید جواد مصطفوی، بی‌جا، انتشارات علمیه اسلامی، بی‌تا.
- ۱۸- موسوی خمینی، سید روح‌الله، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره)، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی (تهیه و جمع‌آوری)، جلد ۵، بی‌جا، انتشارات شرکت سهامی، بهمن ۱۳۶۱.
- ۱۹- مهر، فرهنگ، حقوق کار و بیمه‌های اجتماعی، تهران، مؤسسه عالی حسابداری، ۱۳۴۵.
- ۲۰- نصیری، مرتضی، مبانی حقوقی تأمین اجتماعی، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۸۲.
- ۲۱- نعیمی، عمران، و دیگران، قانون تأمین اجتماعی در نظم حقوقی کنونی، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۹.
- ۲۲- وحدتی شبیری، سید حسن، مجهول بودن مورد معامله، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹.